

فرا تحلیل پژوهش‌های سیاسی مبتنی بر رهیافت گفتمانی در ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۱۳

حمیدرضا رحیمی*

ابوالفضل دلاوری**

چکیده

پس از حدود نیم قرن از مطرح شدن رهیافت گفتمانی در حوزه علوم اجتماعی و سه دهه بهره‌گیری از این رهیافت در پژوهش‌های سیاسی در ایران، انجام پژوهشی در مورد این پژوهش‌ها ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس، در این مقاله این سؤال مطرح شده که پژوهش‌های مبتنی بر رهیافت گفتمانی در ایران دارای چه گرایش‌هایی در سطح نظری و مضمونی بوده و دچار چه کاستی‌ها و چالش‌هایی هستند؟ در پاسخ به این پرسش تلاش شده تا با فراتحلیل حجم نمونه‌ای (۲۰۱ مورد) از پژوهش‌های سیاسی مبتنی بر رهیافت گفتمانی و گرایش‌های نظری و تنوع موضوعات و مضامین غالب آن در پژوهش‌های ایرانی نشان داده شود. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این پژوهش‌ها در دو سطح میزان انطباق دقیق این پژوهش‌ها با رهیافت گفتمانی و نیز نقدهای وارده بر این رهیافت در سطح جهانی دچار آسیب‌ها و چالش‌هایی هستند.

واژگان کلیدی: رهیافت گفتمانی، فراتحلیل، پژوهش‌های گفتمانی، ویژگی‌ها، کاستی‌ها.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران (نویسنده مسئول) h.r.rahimi1395@gmail.com

** دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

مقدمه

رهیافت گفتمانی در حوزه علوم سیاسی تأثیرات و تحولات گسترده ای را در پی داشته است. توجه و تمرکز بر حوزه معنا که امروزه در پژوهش های سیاسی جایگاه برجسته ای یافته است از پیامدهای ورود رهیافت گفتمانی در مطالعات سیاسی است. این رهیافت توانسته است بر دانش پژوهشگران در حوزه سیاست بیفزاید و حوزه های مطالعاتی جدیدی را به روی محققان بگشاید که در رهیافت های مسلط پوزیتیویستی به آن حوزه ها توجه نمی شد.

یاکوب تورفینگ در بررسی خود از وضعیت رهیافت گفتمانی در رشته علوم سیاسی در کشورهای مختلف اروپایی می نویسد: «تا حدود ۱۵ سال پیش نظریه پردازان گفتمان بسیار کم تعداد بودند^۱. آنها به مثابه گروهی حاشیه ای به دیده تحقیر و انکار نگریسته می شدند. امروزه این تصویر به طرز چشمگیری تغییر کرده است و این نظریه در میان استادان و دانشجویان دارای محبوبیتی فراوان شده است و گرایش کاملاً به رسمیت شناخته شده در علوم سیاسی است. نظریه گفتمان اکنون برنامه آموزشی مدرسه تابستانی خاص خود را در کنسرسیوم اروپایی تحقیقات سیاسی (ECPR)^۲ برگزار می کند و در بسیاری از کنفرانس های معتبر رشته علوم سیاسی پنل های خاص خودش را دارد. این تغییر وضعیتی است که تنها تا یک دهه قبل دور از تصور بود.» (Torfing, 2005: 2)

رهیافت گفتمانی به دلایل متعددی در ایران نیز با استقبال و گسترش سریعی مواجه شد و طی بیش از دو دهه اخیر علاوه بر ترجمه بسیاری از آثار متعلق به بنیانگذاران این رهیافت (بنگرید به: فوکو ۱۳۷۸، ۱۳۸۱، ۱۳۸۷، ۱۳۸۹، ۱۳۹۳؛ لاکلائو و موفه ۱۳۹۲؛ موفه ۱۳۹۳؛ فرکلاف ۱۳۷۹؛ ون دایک ۱۳۷۹؛ هوارث ۱۳۹۷) باعث تولید انبوهی از مقالات، کتاب ها و تحقیقات دانشگاهی از سوی دانشگاهیان و پژوهشگران ایرانی شد (برای نمونه بنگرید به: تاجیک ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۹۳؛ غلامرضا کاشی ۱۳۷۹، ۱۳۸۱، ۱۳۸۵؛ فیرحی ۱۳۸۱؛ فرقانی ۱۳۸۳؛ سلطانی ۱۳۸۵؛ فجری ۱۳۸۷، حسینی زاده ۱۳۹۰؛ جمیله کدیور ۱۳۷۸؛ دهقانی فیروزآبادی ۱۳۸۴، ۱۳۹۵؛ کچویان ۱۳۸۷؛ ادیبزاده ۱۳۷۸؛ نظری ۱۳۸۷).

۱. تاریخ انتشار کتاب سال ۲۰۰۵ است.

رهیافت گفتمانی به‌رغم دستاوردهای فراوانی که در حوزه علوم انسانی و اجتماعی داشته است، از بدو پیدایش با تردیدها و انتقاداتی از سوی صاحب‌نظران معتبر علوم انسانی و اجتماعی مواجه بوده است. مهمترین این انتقادات این است که این رهیافت نمی‌تواند به تنهایی دربرگیرنده همه ابعاد و سویه‌های واقعیت‌های انسانی و اجتماعی باشد. رهیافت گفتمانی اگرچه برای تحلیل وجوه معنایی و گفتمانی امور اجتماعی یعنی جایی که اعمال قدرت بعدی گفتمانی دارد، مناسب است و می‌تواند تحلیل دقیقی از نقش معنا و زبان در اعمال قدرت و سلطه ارائه دهد، اما نمی‌تواند فرایندهای اجتماعی و سیاسی را در کلیت آن تبیین کند زیرا همه ابعاد و وجوه زندگی جمعی از جمله در حوزه سیاست، از جنس گفتمانی نیستند، لذا از نظر منتقدان در رهیافت گفتمانی، از فرایندهای اجتماعی کلان (فرایندهای غیرگفتمانی) غفلت می‌شود (Jessop 1982 , Mouzelis 1988).

کاربرد رهیافت گفتمانی در حوزه پژوهش‌های سیاسی در ایران طی دو دهه اخیر آنچنان سریع و گسترده بوده که گویی به نوعی «مد پژوهشی» تبدیل شده است تا جایی که امروزه با نوعی تورم و اشباع ادبیات در این زمینه روبرو هستیم.^۱ با وجود این، هم‌نفس استقبال شدید دانشگاهیان و پژوهشگران ایرانی سیاست از این رهیافت و هم‌کیفیت بسیاری از پژوهش‌های مبتنی بر آن همواره با اما و اگرها و تردیدهایی مواجه بوده است. در این مقاله به منظور دستیابی به یک ارزیابی محققانه از چند و چون رواج این رهیافت و کم و کیف پژوهش‌های سیاسی مبتنی بر آن در ایران کوشش خواهد شد به این پرسش پرداخته شود که «پژوهش‌های سیاسی مبتنی بر رهیافت گفتمانی در ایران چه ویژگی‌ها، گرایش‌ها و دستاوردهایی داشته و با چه مشکلات و نارسائی‌هایی مواجهند؟». برای پاسخ به این پرسش تلاش می‌شود با توجه به ادبیات جهانی رهیافت گفتمانی ویژگی‌ها و کاستی‌های کاربرد این رهیافت در پژوهش‌های سیاسی ایران مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱. در سطح جهانی نیز رواج مُدگونه رهیافت گفتمانی با انتقاد برخی صاحب‌نظران مواجه شده است. برای مثال پری اندرسون زیاده‌روی در تلقی گفتمانی از امور را با عنوان «تورم گفتمان» مورد انتقاد قرار داده است (ایگلتون، ۱۳۸۱: ۳۲).

الف. مبانی مفهومی و نظری: نگاهی به تنوع نظریه‌ها در رهیافت گفتمانی

پژوهش حاضر پژوهشی اکتشافی است و به دنبال آزمون فرضیه‌ای مشخص مبتنی بر نظریه‌ای مشخص نیست. بنابراین، در این گفتار، به جای ارائه چارچوب نظری، تلاش می‌شود مبانی مفهومی و نظری رهیافت گفتمانی با ارجاع به آثار نمایندگان اصلی این رهیافت ارائه شود.

رهیافت گفتمانی در بستر رشته‌ها و پارادیم‌های متعددی شکل گرفته و تکامل یافته‌است. نطفه‌های اولیه این رهیافت در رشته زبان شناسی شکل گرفت اما در این رشته متوقف نماند و با فاصله اندکی به واسطه متفکرانی مانند فوکو و دریدا وارد حوزه مطالعات اجتماعی و سیاسی شد. این مسیر متفاوت که از اروپای قاره‌ای به‌ویژه فرانسه آغاز شد و گسترش یافت، ریشه‌هایش به فلسفه زبان، پساساختارگرایی، پدیدارشناسی و هرمنوتیک بازمی‌گردد (پوینتون، ۱۳۸۸: ۵۵). به‌طور کلی با بررسی در رهیافت‌ها و مواضع متنوع و بالقوه گیج‌کننده در رهیافت‌های گفتمانی می‌توان دو نگرش کلی را شناسایی نمود:

۱. **رهیافت‌های زبان محور - خرد:** در مجموعه رهیافت‌های زبان محور - خرد، گفتمان اساساً در معنای محدود زبان‌شناختی و به‌مثابه کاربرد بالفعل زبان توسط افراد درون تعاملات زبانی (سخن و گفتار) تعریف می‌شود. دامنه رهیافت‌های گفتمانی که نگرشی زبان‌محور و خرد به گفتمان دارند را می‌توان از زبان‌شناسی (تحلیل گفتمان ساختارگرا و تحلیل گفتمان نقش‌گرا) تا تحلیل گفتمان انتقادی (که به تحلیل کارکرد ایدئولوژیک زبان می‌پردازد) مشاهده نمود. همچنین اشکال گوناگونی از تحلیل مکالمه (Schegloff and Sacks, 1993; Sinclair and) (Coulthards, 1975; Alkinson and Heritage, 1984) که در چارچوب روش جامعه‌شناختی اتنومتدلوژی انجام شدند و نیز روان‌شناسی گفتمانی (Labov and Franchel,) (1977; Potter and Wetherell, 1987) ذیل این نگرش به گفتمان تعریف می‌شوند.

وجه اشتراک تمام این رهیافت‌ها که ذیل عنوان رهیافت‌های خرد و زبان محور قرار می‌گیرند، به‌رغم تفاوت‌هایشان، در این است که گفتمان را پدیده‌ای تماماً زبانی می‌دانند و به‌طور مشخص آن را کاربرد بالفعل زبان (گفتاری یا نوشتاری) در بافتی مشخص تعریف می‌کنند. به‌تعبیر پینکوک در این رهیافت‌ها گفتمان کوچک‌تر از زبان است و به‌عنوان پدیده‌ای

زبانی، جزئی از زبان است و در زیرمجموعه زبان قرار می‌گیرد^۱ (نک پنی‌کوک، ۱۳۷۸؛ همچنین نک سلطانی، ۱۳۸۴: ۲۶-۳۰).

باتوجه به تعریف زبان محور از گفتمان در این رهیافت‌ها، طبیعتاً تحلیل گفتمان نیز تحلیل همین گفتگوها و تعاملات خرد زبانی است تا بر اساس آن نحوه برساخت واقعیت‌ها، هویت‌یابی‌های مشارکت‌کنندگان در گفتمان و روابط مشارکت‌کنندگان مورد تحلیل قرار گیرد. بنابراین آن‌چنان که ویوین بر می‌گوید: «تحلیل گفتمان در رویکردهای خرد، شامل مطالعه تجربی متون نوشتاری و گفتاری است و از زاویه مطالعات زبانی به تحلیل گفتمان می‌نگرند.» (بر، ۱۳۹۴: ۹۹) این رهیافت‌ها چون عموماً از زبان‌شناسی سرچشمه می‌گیرند، دارای ابزارهای کارآمدی برای تحلیل متن (گفتاری- نوشتاری) هستند.

۲. رهیافت‌های معنا محور-کلان: در رهیافت‌های معنا محور- کلان (شامل رهیافت فوکویی و رهیافت لاکلائو و موفه) برخلاف رهیافت‌های زبان محور- خرد، تعریف گفتمان زبان محور نبوده و قابل تقلیل به سخن و گفتار نیست؛ بلکه گفتمان ساختار یا مجموعه‌ای نظام‌مند از معانی است که واقعیت و ابژه‌ها را به شیوه‌ای خاص بر می‌سازند؛ دانش و تجربه را به‌گونه‌ای نظام‌مند ساماندهی می‌کنند و اعمال، افکار، نهادهای اجتماعی و... را در برگرفته است. در این مفهوم‌پردازی‌ها، گفتمان مفهومی انتزاعی است و به‌مثابه پدیده‌ای تماماً زبانی تعریف نمی‌شود. به تعبیر پنی‌کوک «گفتمان با این مفهوم به زبان یا کاربردهای زبان بازمی‌گردد؛ بلکه اشاره به طرق سازماندهی معنا دارد. گفتمان‌ها درباره خلق و تحدید نظام‌های قدرت/ دانشی هستند که ما در میانشان جایگاه سوژه را اتخاذ می‌کنیم.» (پنی‌کوک، ۱۳۷۸: ۱۴۱) در اینجا گفتمان به‌عنوان نظام یا ساختاری نشانه‌ای- معنایی (نظام دانش یا افق هستی‌شناختی) تعریف می‌شود که تجارب، شناخت و ادراک ما را در بر گرفته است و هویت‌ها، روابط و امور درون آنها خلق می‌شود. در این تعریف گفتمان‌ها توسط افراد تولید

۱. در زبان انگلیسی برای اشاره به این تعریف و مفهوم از گفتمان (به‌مثابه کاربرد بالفعل زبان توسط افراد) در پژوهش‌های گفتمانی، واژه (discourse) با حرف d کوچک می‌آید که به‌صورت جمع نیز به‌کار می‌رود (discourses) (Kampf, 2000: 5).

نمی‌شوند؛ بلکه این گفتمان‌ها هستند که افراد را در بر گرفته‌اند و هویت‌ها و مناسبات اجتماعی را تولید می‌کنند.^۱

اساساً تمرکز تحلیل گفتمان در رهیافت‌های معنا محور- کلان، نظر به مفهوم‌پردازی متفاوتشان از گفتمان، با تحلیل گفتمان‌های رایج در رویکردهای زبان‌محور متفاوت است و به تحلیل تعاملات زبانی (گفتاری- نوشتاری) نمی‌پردازند. در این رهیافت‌ها، داده‌های زبانی فقط نمونه‌هایی از گفتمان تحت بررسی هستند از جمله در رهیافت فوکویی به مثابه یکی از بارزترین نمونه‌های این نحله، برخلاف رویکردهای خرد و متن محور، مجموعه‌ای از گزاره‌ها و ادعاهای معرفتی (رژیم‌های دانش)، کنش‌ها، نهادها، روابط قدرت و بسیاری دیگر از داده‌های زبانی و غیرزبانی و نیز امور مادی و غیرمادی جلوه‌هایی از یک گفتمان کلان هستند که به جامعه نظم می‌بخشند و فوکو در تحلیل‌هایش در راستای کشف کردن این گفتمان‌ها آن را مورد تحلیل و مطالعه قرار می‌دهد (ترنر، ۱۳۸۸: ۱۱-۱۱۳).

در نظریه گفتمان لاکلائو و موفه نیز تحلیل منازعات و ستیزهای گفتمانی بر سر تثبیت معنا و تعریف واقعیت‌ها و امور کانون تمرکز را تشکیل می‌دهد. در این رویکرد گفتمان‌های هژمونیک هویت‌ها و واقعیت‌های سیاسی- اجتماعی را تعریف کنند. فرایند شکل‌گیری و هژمونی‌یابی و بی‌قراری این گفتمان‌ها و تحلیل غیریت‌سازی‌ها و تحلیل مفصل‌بندی ساختارهای نشانه‌ای در گفتمان‌ها از جمله تمرکز مطالعات در این رویکرد است (Howarth et al., 2009: 5-8).

بنابراین به‌طور کلی می‌توان رویکردهای متفاوت در تعریف گفتمان و تحلیل گفتمان را در امتداد یک پیوستار مرتب کرد. پیوستاری که در یک سوی آن با رویکردی زبان‌شناختی، نگرشی خرد و تعریفی محدود از گفتمان به مثابه زبان به کاررفته در تعاملات و محاورات قرار می‌گیرد و در سوی دیگر آن با رویکردی پساساختارگرا، نگرشی کلان و تعریفی موسّع از گفتمان به مثابه مجموعه‌ای از نظام‌های معنایی که برسازنده تمامی امور و مناسبات جامعه است، به دست داده می‌شود.

۱. این مفهوم‌پردازی از گفتمان در زبان انگلیسی عموماً با حرف D بزرگ می‌آید و به صورت مفرد به کار می‌رود. در این نگرش به گفتمان، به تعبیری گفتمان بزرگ‌تر از زبان است و تمامی امور زبانی و غیر زبانی را در بر می‌گیرد (Kampf, 2000: 5).

ب. روش پژوهش

با استفاده از روش فراتحلیل می‌توان به مروری نظام‌مند و انتقادی در قبال مجموعه پژوهش‌هایی که در قالب رهیافت گفتمانی در ایران صورت گرفته است، دست یافت. روش فراتحلیل در زیرمجموعه مطالعات نظام‌یافته قرار می‌گیرد. پژوهش‌های انجام‌شده در یک زمینه خاص معمولاً پراکنده و بی‌ارتباط با یکدیگرند اما فراتحلیل آن‌ها ما را قادر می‌سازد به نسبت، ارتباط و معنی کلی آن‌ها دست یابیم. روش فراتحلیل به طور کلی به دو نوع کمی و کیفی تقسیم می‌شود. فراتحلیل کمی که آن را مطالعات ادغامی نیز می‌نامند از ماهیتی کمی برخوردار است و تلاش دارد تا به خلاصه‌بندی و ادغام آماری نتایج مجموعه‌ای از تحقیقات پردازد و روابط تازه‌ای را کشف نماید. در فراتحلیل کیفی هدف پژوهش استخراج مضامین و گرایش‌ها غالب در مجموعه پژوهش‌های مورد نظر است (Given, 2008). در پژوهش حاضر، که از نوع کیفی است، تلاش خواهد شد مجموعه پژوهش‌های انجام‌شده در چارچوب رهیافت گفتمانی در رشته علوم سیاسی در ایران، از لحاظ موضوعات و مضامین آن‌ها؛ نگرش‌ها، رهیافت‌ها و روش‌های به‌کارگرفته‌شده و نیز یافته‌ها و دستاوردهای برآمده از آن‌ها با رویکردی انتقادی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند.

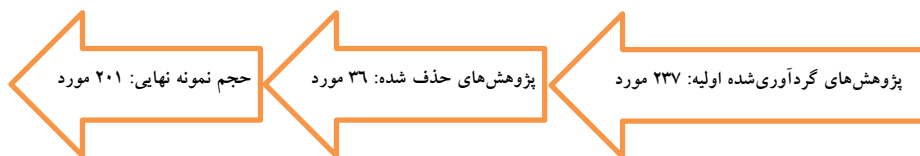
۱. جامعه آماری و انتخاب نمونه پژوهش

در این پژوهش به منظور دستیابی به تصویری جامع از وضعیت نگرش‌های گفتمانی در پژوهش‌های سیاسی، کلیه پژوهش‌هایی که طی دو دهه اخیر از سوی دانشگاهیان ایران (اعم از استاد و دانشجو) در قالب کتاب، مقاله، رساله دکتری و پایان‌نامه ارشد انجام شده‌اند، شناسایی شدند. جامعه آماری پژوهش با اعمال دو محدودیت زیر تعیین شد: نخست اینکه آثار نظری صرف از فرایند پژوهش کنار گذاشته شده‌اند و فقط پژوهش‌های تجربی مورد تحلیل قرار گرفتند. دوم این که پژوهش‌هایی که به طور مستقیم با رشته علوم سیاسی مرتبط نبوده‌اند، نظیر مطالعات گفتمانی در حوزه ارتباطات مطالعات زنان نیز از دایره جامعه آماری تحلیل بیرون گذاشته شدند. به عبارت دیگر فقط پژوهش‌های تجربی که در حوزه علوم سیاسی صورت گرفته و در قالب مقالات مندرج در فصلنامه‌های تخصصی و یا پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی منتشر شده‌اند، در دستورکار فراتحلیل قرار گرفت.

پس از اعمال محدودیت‌های یادشده، در راستای شناسایی و گردآوری منابع مدنظر، کلید واژه‌های «گفتمان و سیاست»، «گفتمان سیاسی»، «زبان و سیاست»، «زبان سیاسی»، «گفتمان و قدرت»، «زبان و قدرت» در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر ذیل مورد جستجو قرار گرفتند:

۱. جویشگر فارسی علم نت؛ ۲. پورتال جامع علوم انسانی؛ ۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛ ۴. بانک اطلاعات نشریات کشور (مگیران)؛ ۵. پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)؛ ۶. پایگاه مجلات تخصصی نور (نورمگز)؛ ۷. پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایران داک)؛ ۸. جست و جوگر گوگل و گوگل اسکالر؛ ۹. بررسی ارجاعات مقالات.

تصویر زیر فرایند و نتیجه انتخاب نمونه این پژوهش را نشان می‌دهد:



نمودار ۱: فرایند شناسایی جامعه آماری و نمونه پژوهش

ج. یافته‌های تحقیق

۱. گونه‌شناسی کلی پژوهش‌های سیاسی مبتنی بر نگرش‌های گفتمانی در ایران

ورود نگرش‌های گفتمانی به پژوهش‌های سیاسی در ایران در دو مرحله و به تعبیر دیگری در دو سطح صورت گرفته است. در مرحله یا سطح اول ما شاهد ترجمه یا تألیف مجموعه‌ای از آثار و ادبیات نظری مرتبط با این نگرش‌ها هستیم. همانطور که اشاره شد این دسته از آثار و ادبیات از دامنه پژوهش ما (فراتحلیل) بیرون گذاشته شده‌اند. در مرحله یا سطح دوم، شاهد تولید انبوهی از آثار و پژوهش‌های تجربی درباره موضوعات و مسائل سیاسی با استفاده از نگرش‌های گفتمانی هستیم. البته این بدان معنا نیست که می‌توان مرز مشخصی از لحاظ زمانی میان این دو مرحله یا سطح تعیین کرد. به عبارت دیگر، هرچند اولین آثار مرتبط با این نگرش‌ها غالباً از نوع نظری بوده‌اند اما با شروع تولید ادبیات تجربی و اجرای پژوهش‌های مبتنی بر این نگرش‌ها، ترجمه و تألیف آثار صرفاً نظری نیز کم‌وبیش ادامه یافته است.

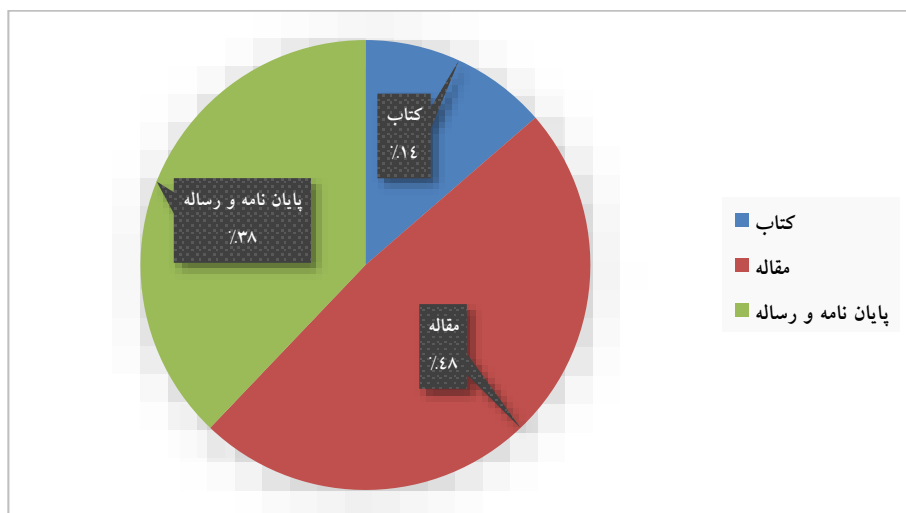
در هر صورت، در ادامه این مقاله، آثار مورد نظر این پژوهش (۲۰۱ اثر تجربی) را با توجه به میزان انسجام و التزامی که به چهارچوب‌های نظری و مفهومی رهیافت گفتمانی دارند، می‌توان به دو دسته زیر تقسیم کرد:

۱. در گونه‌ای از پژوهش‌ها رهیافت گفتمانی عمدتاً در سطح چارچوب نظری بسط داده شده است و چندان پیوند منسجمی میان چارچوب نظری- مفهومی با الگوی تحلیل در پژوهش دیده نمی‌شود. این پژوهش‌ها اگرچه مدعای اتخاذ رهیافت گفتمانی را دارند؛ اما در سطح کلیات باقی می‌مانند و استلزامات نظری و مفهومی رویکرد گفتمانی اعلام شده در چارچوب نظری، در سطح الگوی تحلیلی پژوهش بسط نمی‌یابد.

۲. در دسته‌ای دیگر از پژوهش‌های گفتمانی پیوندی منسجم میان چارچوب نظری- مفهومی اتخاذ شده با الگوی تحلیل در پژوهش دیده می‌شود. در این گونه از پژوهش‌ها سعی شده است تا در تحلیل موضوع مورد مطالعه، استلزامات نظری و مفهومی اعلام شده در چارچوب نظری دنبال شود و رهیافت گفتمانی بر موضوع مورد مطالعه پرتوفکنی کند.

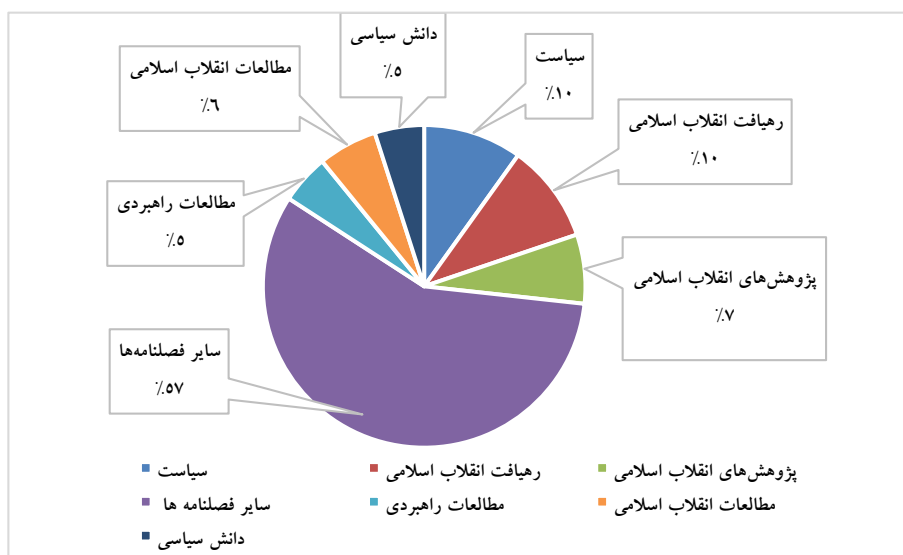
۲. نگاهی آماری به وضعیت پژوهش‌ها

فراوانی و توزیع قالب‌های پژوهش: از مجموع ۲۰۱ مورد حجم نمونه نهایی ۲۷ مورد در قالب کتاب (۱۴ درصد)، ۹۹ مورد در قالب مقاله (۴۸ درصد) و ۷۵ مورد در قالب رساله دکتری و پایان‌نامه کارشناسی ارشد (۳۸ درصد) هستند.



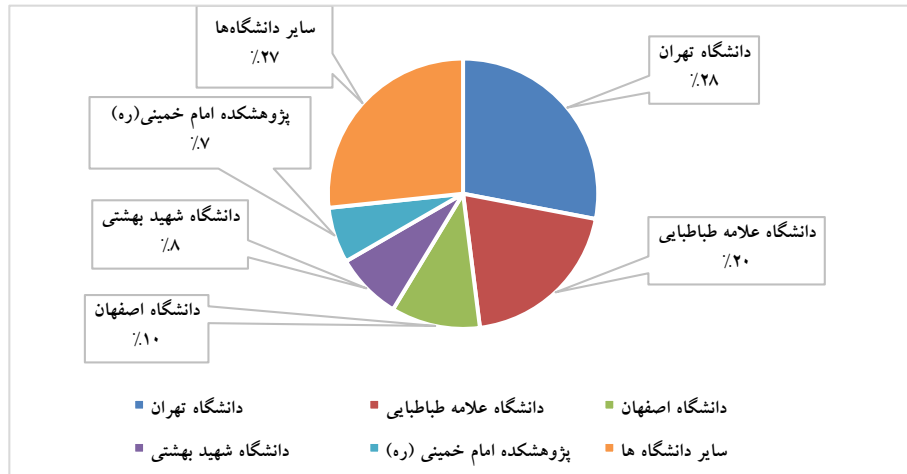
نمودار ۲: فراوانی و توزیع قالب‌های آثار پژوهشی

فراوانی و توزیع مقالات: با بررسی ۹۹ مورد مقالات گردآوری شده در این فراتحلیل که روی هم در ۲۸ فصلنامه تخصصی رشته علوم سیاسی منتشر شده‌اند، مشاهده می‌شود که حدود ۴۳ درصد از ۹۹ مورد در تنها شش فصلنامه انتشار یافته‌اند. این شش فصلنامه که از بیشترین فراوانی انتشار مقالات در چارچوب رهیافت گفتمانی برخوردارند به ترتیب: فصلنامه‌های سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (۱۰ مورد)؛ رهیافت انقلاب اسلامی (۱۰ مورد)؛ پژوهش‌های انقلاب اسلامی وابسته به دانشگاه بوعلی سینا (۷ مورد)؛ مطالعات انقلاب اسلامی وابسته به دانشگاه معارف اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها (۶ مورد)؛ فصلنامه مطالعات راهبردی و فصلنامه دانش سیاسی وابسته به دانشگاه امام صادق (ع) (۵ مورد) هستند.



نمودار ۳: فراوانی و توزیع مجلات منتشرکننده پژوهش‌ها

فراوانی و توزیع پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی: با بررسی ۷۵ مورد از رساله‌های دکتری و پایان‌نامه‌های ارشد که روی هم در ۱۴ دانشگاه بررسی شده در این فراتحلیل انجام شده‌اند، مشاهده می‌شود که حدود ۷۵ درصد از این پژوهش‌ها در پنج دانشگاه انجام شده‌اند. این پنج دانشگاه که از بیشترین فراوانی در زمینه رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها در چارچوب رهیافت گفتمانی برخوردارند به ترتیب: دانشگاه تهران (۲۱ مورد)؛ دانشگاه علامه طباطبایی (۱۵ مورد)؛ دانشگاه اصفهان (۸ مورد)؛ دانشگاه شهید بهشتی (۶ مورد)؛ پژوهشکده امام خمینی (ره) (۵ مورد) هستند.



نمودار ۴: فراوانی و توزیع پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی

۳. فراتحلیل چارچوب‌های نظری و مفهومی

همان‌طور که در مبانی نظری و مفهومی این مقاله نیز بدان پرداخته شد، پژوهش‌های گفتمانی در قالب انواع نظریاتی که هرکدام مفاهیم و مفروضات مختص به خود را دارند، اجرا می‌شوند. در مجموعه پژوهش‌های ایرانی بررسی شده در این فراتحلیل نیز با انواع نظریاتی مواجه‌ایم که پژوهش‌های گفتمانی در قالب آنها اجرا شده‌اند. البته آنچه مبنای کار قرار گرفته است چارچوب‌های نظری اعلام‌شده توسط پژوهشگران است. بسیاری از پژوهش‌ها در طراحی مسئله، استفاده از رویکردی گفتمانی را در مطالعه پدیده یا موضوع مدنظر عنوان می‌کنند؛ اما مروری بر این مطالعات چنین ادعایی را ثابت نمی‌کند. بدین معنا که در بسیاری از پژوهش‌های بررسی شده به جای کاربست و اتخاذ صحیح و دقیق نظریات گفتمانی، بیشتر با مدعای کاربست چارچوب نظری خاصی مواجه‌ایم. بنابراین مبنای فراتحلیل و دسته‌بندی چارچوب‌های نظری در این مقاله نظریات اعلامی توسط پژوهشگران در پژوهش‌هاست.

با این توضیح، نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که از میان ۲۰۱ مورد پژوهش گردآوری شده، در مجموع ۹۱ مورد در قالب چارچوب نظری- مفهومی تحلیل گفتمان لاکلائو و موفه، ۱۴ مورد در قالب نظری- مفهومی تحلیل گفتمان فوکو، ۲۲ مورد در قالب تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف،

۳۳ مورد در قالب چارچوب‌های نظری- مفهومی ترکیبی، ۲۳ مورد در قالب سایر نظریه‌ها و ۱۸ مورد بدون اتخاذ چارچوب نظری خاصی پژوهش‌های گفتمانی خود را سامان داده‌اند.

جدول ۱: فراوانی و توزیع رویکردهای نظری پژوهش‌ها

درصد	فراوانی	چارچوب نظری
٪۴۵	۹۱	نظریه گفتمان لاکلائو و موفه
٪۷	۱۴	تحلیل گفتمان فوکویی
٪۱۱	۲۲	تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف
٪۱۶	۳۳	چارچوب‌های نظری ترکیبی
٪۱۲	۲۳	سایر نظریه‌ها
٪۸	۱۸	بدون چارچوب نظری
٪۱۰۰	۲۰۱	مجموع

کاربست نظریه گفتمان لاکلائو و موفه: نظریه گفتمان لاکلائو و موفه نزد پژوهشگران ایرانی بسیار جذاب جلوه کرده است و پژوهش‌های فراوانی با استفاده از این رویکرد سامان یافته است. از میان ۲۰۱ مورد پژوهش این فراتحلیل، در مجموع ۹۱ مورد از نظریه تحلیل گفتمان لاکلائو و موفه استفاده کرده‌اند. از این میان، حسینی‌زاده (۱۳۸۶)؛ تاجیک (۱۳۷۷)؛ مشیرزاده (۱۳۸۶)؛ شیخ‌الاسلامی، شیرواند و ادیب سرشکی (۱۳۹۴)؛ دوست‌محمدی و زحمتکش (۱۳۸۷) و دین‌پرست (۱۳۸۹) به‌طور جامع‌تر و دقیق‌تری این نظریه را به‌کار گرفته‌اند. در حالی که افرادی نظیر آجیلی (۱۳۹۰)؛ دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۳)؛ شفایی (۱۳۹۷)؛ کسرای و پوزش شیرازی (۱۳۹۰)؛ عوض‌پور و میراحمدی (۱۳۹۴)؛ شیخ‌الاسلامی و شیرواند (۱۳۹۲) با آزادی عمل بیشتری از چارچوب مفهومی- نظری لاکلائو و موفه استفاده کرده یا مدعی استفاده از این چارچوب بوده‌اند.

کاربست نظریه گفتمان میشل فوکو: در مجموع ۱۴ مورد از پژوهش‌ها، از نظریه تحلیل گفتمان فوکو استفاده کرده‌اند. از این میان در پژوهش‌هایی چون فیرحی (۱۳۷۸ و ۱۳۸۰)؛ بروجردی (۱۳۷۷)؛ تاجیک (۱۳۸۴) کدیور (۱۳۷۸) شاهد تلاش جدی و دقیقی برای کاربرد این نظریه هستیم. در حالی که آثار دیگری نظیر تاجیک (۱۳۸۲)؛ کسرای، رضایی و مرادخانی (۱۳۹۰)؛ غلامرضا کاشی و هلالی ستوده (۱۳۹۲)؛ و خزایی (۱۳۹۷) با آزادی عمل بیشتری مدعی کاربرد این نظریه بوده‌اند.

نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف: ۲۲ مورد از پژوهش‌های فراتحلیل، از نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف استفاده کرده‌اند. از این میان نیز آثاری نظیر فرقانی (۱۳۸۳)؛ خانیکی (۱۳۷۷) و قریشی (۱۳۹۵) به نحوی نسبتاً جامع و دقیق این نظریه را به کار گرفته‌اند و آثاری نظیر خلیلی و حمیدی (۱۳۹۰)؛ اسدی و مخدومی، (۱۳۹۵)؛ فرقانی و زرین (۱۳۹۱)؛ حمیدی و خسروی (۱۳۹۳)؛ بشیر و کرم فر (۱۳۹۳)؛ میرزاده (۱۳۹۳) و نژاد عبدالمهی (۱۳۸۷) با آزادی عمل بیشتری مدعی استفاده از این نظریه بوده‌اند.

چارچوب‌های نظری ترکیبی: بخش بزرگی از پژوهش‌های گفتمانی (۳۳ مورد) از یک چارچوب نظری خاص استفاده نکرده‌اند بلکه ترکیبی از نظریه‌های مرتبط با این رهیافت را به کار گرفته‌اند. موارد ذیل را می‌توان نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها به‌شمار آورد: غلامرضا کاشی (۱۳۷۹) و (۱۳۸۵) با ترکیبی از تحلیل متن فرکلاف با مدل گفتمان عملی رامان سلدن؛ سلطانی (۱۳۸۴) با ترکیبی از نظریه لاکلائو و موفه و تحلیل متن فرکلاف؛ ادیب زاده (۱۳۸۷) با ترکیب تبارشناسی و دیرینه‌شناسی فوکو و روانکاوی گفتمان ریچاردز؛ قجری، (۱۳۸۸) با ترکیب نظریه لاکلائو و موفه و تحلیل گفتمان انتقادی روث ووداک؛ اکوانی (۱۳۹۰) با ترکیب نظریه لاکلائو و موفه و نشانه‌شناسی ون لیوون. البته برخی دیگر نیز به صورت آزادانه‌تر به ترکیب نظریه‌ها و روش‌های تحلیل گفتمان دست زده و یا مدعی چنین کاری هستند. رضائی‌پناه و شوکتی‌مقرب (۱۳۹۴)؛ مشیرزاده (۱۳۸۳)؛ بشیر و حاتمی (۱۳۹۲)؛ اکوانی و نوروزی‌نژاد (۱۳۹۳)؛ تاجیک و روزخوش (۱۳۸۷)؛ قاسمی (۱۳۹۵)؛ همویی (۱۳۹۰) و میرزایی (۱۳۹۲) طاهرخانی (۱۳۹۴) با ترکیب تحلیل استعاره ای لیکاف و جانسون، تحلیل گفتمان انتقادی ون دایک، تحلیل گفتمان انتقادی روث ووداک؛ بشیر و تفرجی شیرازی (۱۳۹۱) با ترکیب شالوده‌شکنی دریدا و تحلیل گفتمان عملیاتی پدام نمونه‌هایی از پژوهش‌های ترکیبی محسوب می‌شوند.

سایر نظریه‌ها: ۲۳ مورد از پژوهش‌های مورد نظر، سعی کرده‌اند از چارچوب‌های نظری غیر از سه نظریه غالب و رایج بالا استفاده کنند. مشیرزاده و بهرامی پور (۱۳۹۶) و همچنین ترابی (۱۳۹۲) با استفاده از تحلیل استعاره‌ای لیکاف و جانسون؛ محسنی‌راد (۱۳۹۴) و همچنین شریفی و انصاری (۱۳۹۵) با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی ون دایک نمونه‌هایی از این پژوهش‌ها محسوب می‌شوند.

بدون چارچوب نظری: بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها (حدود ۸ درصد) اصولاً چارچوب نظری خاصی ندارند. با این حال با توجه مضامین و مفاهیم و به ویژه داعیه‌های مطرح شده، می‌توان آن‌ها را در زمره پژوهش‌های گفتمانی به حساب آورد. کچویان (۱۳۸۴)؛ هادیان (۱۳۸۹)؛ آجیلی و افشاریان (۱۳۹۵)؛ خواجه سروی (۱۳۸۶)؛ مشیرزاده و مصباح (۱۳۹۰)؛ نظری (۱۳۸۸) نمونه‌هایی از این گونه پژوهش‌ها هستند.

۴. فراتحلیل موضوعات و مضامین غالب

نگرش‌ها و روش‌های گفتمانی در ایران در حوزه‌ها و موضوعات گوناگونی به کار گرفته شده‌اند و موضوعات و مضامین متنوعی را دربر می‌گیرند. جدول زیر تنوع و پراکندگی موضوعی و مضمونی این پژوهش‌ها را نشان می‌دهد:

جدول ۲: فراوانی و توزیع موضوعی پژوهش‌های گفتمانی

درصد	فراوانی	موضوعات
۱۶٪	۳۲	کشف و توصیف ساختار گفتمان‌ها
۱۰٪	۲۰	انقلاب اسلامی
۷٪	۱۴	رقابت‌ها و منازعات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران
۸٪	۱۷	اسلام‌گرایی و افراط‌گرایی
۴٪	۸	اندیشه سیاسی اسلام
۳٪	۶	انقلاب مشروطه
۸٪	۱۶	مطالعات رسانه‌ای
۴٪	۸	هویت و قومیت
۴٪	۷	مطالعات امنیتی
۴٪	۸	آرا و اندیشه‌های افراد
۵٪	۱۱	جنسیت و زنان
۱۵٪	۳۰	سیاست خارجی
۵٪	۱۱	سیاست بین‌الملل
۴٪	۶	مسائل سایر کشورها
۴٪	۷	سایر موضوعات
۱۰۰٪	۲۰۱	مجموع

کشف و توصیف ساختارهای گفتمان‌های سیاسی در ایران: یافته‌های تحقیق نشان

می‌دهد که ۱۶ درصد از پژوهش‌ها به شناسایی و تحلیل نگرش‌ها و گرایش‌های کلان سیاسی در ایران معاصر مربوطند. این دسته از پژوهش‌ها با عناوین و مضامینی نظیر اسلام‌گرایی، مارکسیسم، ناسیونالیسم، قوم‌گرایی، اصول‌گرایی، اصلاح‌طلبی، عدالت‌خواهی، عمل‌گرایی، توسعه‌گرایی و دموکراسی‌خواهی صورت گرفته‌اند. حسینی‌زاده (۱۳۸۶)؛ غلامرضا کاشی (۱۳۸۰، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰)؛ فرقانی (۱۳۸۳)؛ دین‌پرست (۱۳۸۹)؛ تاجیک (۱۳۸۲)؛ اخوان کاظمی (۱۳۸۹)؛ کسرابی و پوزش شیرازی (۱۳۹۰)؛ نوروزی نژاد و مختاری (۱۳۹۴)؛ حمیدی و خسروی زارگر (۱۳۹۳)؛ پناهی و امینی (۱۳۹۲) از پژوهشگرانی هستند که به بررسی این نگرش‌ها و گرایش‌ها پرداخته‌اند.

انقلاب اسلامی: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حدود ۱۰ درصد از حجم نمونه این فراتحلیل

در حوزه مطالعات انقلاب اسلامی صورت پذیرفته‌اند. در این پژوهش‌ها مضامینی مانند فرایند شکل‌گیری ایدئولوژی انقلابی و غلبه اسلام‌گرایی بر انقلاب، مؤلفه‌های گفتمان انقلاب اسلامی و تحولات این گفتمان مضامین غالب را تشکیل می‌دهند. تاجیک (۱۳۷۷)؛ نظری و سازمند (۱۳۸۷)؛ قجری (۱۳۸۷)؛ هنری و آزرمی (۱۳۹۲)؛ شاکری (۱۳۹۴)؛ رهبری (۱۳۸۶)؛ نیکدار اصل و فتحی (۱۳۹۵)؛ قجری (۱۳۸۸)؛ نواختی مقدم (۱۳۹۴) و محمدزاده (۱۳۹۴) از پژوهش‌هائی هستند که به این مضامین پرداخته‌اند.

رقابت‌ها و منازعات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران: یکی دیگر از حوزه‌های

مطالعاتی که رهیافت گفتمانی در آن به وفور به کار گرفته شده، رقابت‌ها و منازعات میان جریان‌های سیاسی خصوصاً در سال‌های پس از انقلاب اسلامی است. مبتنی بر مفروضات رهیافت گفتمانی، کانون مبارزات و منازعات سیاسی، مبارزه بر سر تعریف و معنادادن به وضعیت‌ها و واقعیت‌های سیاسی و مسلط‌نمودن تعریف مورد نظر در سطح جامعه است. این مفروضات به ویژه در نظریه گفتمان لاکلائو و موفه در قالب مفهوم «منازعه بر سر معنی» مطرح می‌شود. در پژوهش‌های ایرانی ذیل این رده موضوعی نیز بر تعارضات و تضادهایی که در سطح نظام‌های معنایی میان جریان‌های سیاسی رقیب وجود دارد و تلاش برای مسلط‌نمودن

تعاریف و نظام معنایی مورد نظرشان در سطح جامعه تمرکز شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۷ درصد حجم نمونه این فراتحلیل به این حوزه مطالعاتی مربوطند. پژوهش‌های غلامرضا کاشی (۱۳۷۹)؛ سلطانی (۱۳۸۴)؛ زارع‌کهن (۱۳۹۷)؛ اکوانی و نوروزی‌نژاد (۱۳۹۳)؛ رضائی‌پناه و شوکتی‌مقرب (۱۳۹۴)؛ تاجیک و روزخوش (۱۳۸۷) و بابایی کر (۱۳۸۸) را می‌توان نمونه‌هایی از این رده موضوعی دانست.

اسلام‌گرایی و افراط‌گرایی: شناخت و تحلیل نظام‌های معنایی حاکم بر هویت‌ها و جنبش‌های سیاسی و تحلیل فرایندهای گفتمانی برساخته‌شدن سوژه‌های جمعی سیاسی از حوزه‌ها و موضوعاتی است که رهیافت گفتمانی در تحقیق و مطالعه آن قابلیت‌های فراوانی از خود نشان داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۸ درصد حجم نمونه این فراتحلیل به بررسی جنبش‌های اسلام‌گرایانه و هویت‌های سیاسی برآمده از آنها، مانند اسلام‌گرایان رادیکال سلفی-تکفیری شامل طالبان، القاعده، داعش مربوطند. پژوهش‌های دوست محمدی و زحمتکش (۱۳۸۷)؛ شفایی (۱۳۹۷)؛ عوض‌پور و میراحمدی (۱۳۹۴)؛ حاجی‌ناصری و اکرمیان (۱۳۹۴) و ابراهیمی (۱۳۸۹) نمونه‌هایی از این رده موضوعی هستند.

اندیشه سیاسی اسلام: رهیافت گفتمانی و به ویژه تحلیل گفتمان فوکویی، چارچوب نظری مناسبی را برای مطالعه انتقادی نظام‌های دانش و اندیشه به دست می‌دهد. پژوهشگران این حوزه پیشگام کاربست رهیافت گفتمانی در ایران بوده‌اند. در رهیافت گفتمانی، برخلاف رهیافت‌های سنتی و کلاسیک، دانش و معرفت اسلامی به مثابه حقایقی مطلق و ثابت نگریسته نمی‌شوند، بلکه این دانش‌ها درون نظام‌های گفتمانی سامان می‌یابند و در بسترهای غیرگفتمانی، دگرگونی می‌پذیرند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۴ درصد حجم نمونه این فراتحلیل در این رده موضوعی قرار می‌گیرند. آثار فیرحی (۱۳۷۸ و ۱۳۸۰)؛ کدیور (۱۳۷۸)؛ دهقان (۱۳۹۰)؛ ناوشکی (۱۳۹۳) و شیرودی و عنبر (۱۳۹۴) به این رده موضوعی مربوطند.

هویت و قومیت: رهیافت گفتمانی برخلاف رهیافت‌های جوهرانگار هویت‌های سیاسی، ملی، قومی و... را واقعیت‌هایی می‌داند که درون گفتمان‌ها برساخته می‌شوند و با تعریف مرزها میان خود و دیگری موجب شکل‌گیری، تأسیس و برساخته‌شدن هویت‌ها می‌شوند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۴ درصد حجم نمونه این فراتحلیل در این رده موضوعی قرار

می‌گیرند. آثار تاجیک (۱۳۸۴)؛ کچویان (۱۳۸۴)؛ نظری (۱۳۸۶)؛ بروجردی (۱۳۷۷)؛ خزایی (۱۳۹۷)؛ بیننده (۱۳۹۳)؛ و قربانی و بهروزی لک (۱۳۹۴) نمونه‌هایی از این گونه پژوهش‌ها به‌شمار می‌روند.

زنان و جنسیت: هرچند مطالعات زنان را می‌توان در ذیل موضوع و حوزه مطالعاتی هویت قرار داد لیکن در راستای متمایز نمودن مطالعات هویت‌های سیاسی، ملی و قومی از هویت‌های جنسیتی سعی شده تا به این دو حوزه به طور مستقل اشاره شود. در رهیافت گفتمانی میان جنس و جنسیت تمایز گذاشته می‌شود. به این معنا که جنس مقوله‌ای طبیعی و جنسیت مقوله‌ای اجتماعی و برساخته گفتمانی تلقی می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۵ درصد حجم نمونه این فراتحلیل در این رده موضوعی قرار می‌گیرند که چند نمونه از مهمترین آنها را می‌توان چنین برشمرد: مرادخانی (۱۳۹۵)؛ شیدایی (۱۳۸۶)؛ شاهمرادی (۱۳۹۱)؛ غلامرضا کاشی و هلالی ستوده (۱۳۹۲)؛ پاداشی (۱۳۸۸)؛ مرادخانی (۱۳۹۰) و صمصامی (۱۳۹۲).

انقلاب مشروطه: تعداد قابل ملاحظه‌ای (حدود ۳ درصد) از پژوهش‌های گفتمانی به مطالعه ابعاد مختلف جنبش مشروطیت پرداخته‌اند. جریان‌های فکری و سیاسی، منازعات سیاسی، قانونگذاری و سیاستگذاری از مهمترین موضوعات و مضامین پژوهش‌های گفتمانی مربوط به آن جنبش است. پژوهش‌های آقاحسینی و مهدی‌پور (۱۳۹۲) مدیرشانه‌چی و سلیمان‌پور (۱۳۹۴)؛ نظری (۱۳۸۸)؛ خلیلی و حمیدی (۱۳۹۰) و نژادعبداللهی (۱۳۸۷) از پژوهش‌های گفتمانی مرتبط با جنبش مشروطه است.

مطالعات رسانه‌ای: تحلیل انتقادی عملکرد رسانه‌ها به عنوان موضوع و حوزه‌ای مطالعاتی از سنت‌های ریشه‌دار در تحلیل گفتمان است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۸ درصد حجم نمونه این فراتحلیل در این رده موضوعی قرار می‌گیرند. پژوهش‌های مشیرزاده و بهرامی‌پور (۱۳۹۶)؛ شریفی و انصاری (۱۳۹۵)؛ اکوانی (۱۳۹۰)؛ رستمی (۱۳۸۲)؛ خانیکی (۱۳۷۷)؛ اسدی و مخدومی (۱۳۹۵)؛ بهرامی‌پور (۱۳۹۲) و اکبرزاده جهرمی (۱۳۹۱) از جمله این دسته از پژوهش‌ها به‌شمار می‌روند.

سیاست خارجی: رهیافت گفتمانی در حوزه سیاست خارجی ایران بیش از هر چیز بر نقش زبان و گفتمان در شکل‌دادن به هویت و منافع ملی و چگونگی برساخته‌شدن ذهنیت

سیاست‌گذاران و کارگزاران سیاست خارجی تأکید دارد. مضامین غالب در پژوهش‌های ایرانی در این حوزه مطالعاتی شامل توصیف و تحلیل گفتارهای رهبران و دولتمردان و گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی ایران، به ویژه در سال‌های پس از انقلاب، همچنین مسائلی مانند برنامه هسته‌ای و تحریم‌ها هستند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۱۵ درصد حجم نمونه این فراتحلیل در این رده موضوعی قرار می‌گیرند. پژوهش‌های دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۴)؛ ادیب‌زاده (۱۳۸۷)؛ مشیرزاده و مصباح (۱۳۹۰)؛ دهقانی فیروزآبادی و عطایی (۱۳۹۴) نمونه‌هایی از این دسته پژوهش‌های گفتمانی هستند.

سیاست بین‌الملل: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۵ درصد حجم نمونه این فراتحلیل به مسائل و موضوعات سیاست بین‌الملل مربوط است. حمله نظامی آمریکا به عراق، روابط انگلیس و اتحادیه اروپا، قطعنامه‌های شورای امنیت علیه کره شمالی، سیاست اسلام‌هراسی در غرب، بحران بوسنی، منازعه اعراب و اسرائیل از موضوعات و مسائلی هستند که در چهارچوب رهیافت گفتمانی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. پژوهش‌های مشیرزاده (۱۳۸۶)؛ همویی (۱۳۹۲)؛ خالق‌دوست (۱۳۹۱)؛ قریشی (۱۳۹۵)؛ نقیب‌زاده و همویی (۱۳۹۲)؛ عامری گلستانی و سادات قادری (۱۳۹۱) و سعیدی (۱۳۹۵) نمونه‌هایی از این گونه پژوهش‌ها هستند.

مطالعات امنیتی: امنیت و مطالعات مربوط به آن همواره از جمله موضوعات و حوزه‌های مطالعاتی اصلی پژوهش‌های سیاسی بوده است. طبیعتاً ورود رهیافت گفتمانی به حوزه‌های مطالعاتی مختلف، مطالعات امنیتی را نیز از خود متأثر می‌سازد. در رهیافت گفتمانی اساساً تعریف امنیت دچار تحول می‌شود و بر مؤلفه‌های قدرت نرم در برابر مؤلفه‌های قدرت سخت تأکید می‌شود. در این رهیافت، امنیت مقوله‌ای تعریف‌پذیر است و از این رو، در گفتمان‌های رقیب برداشت‌ها و تعریف‌های متفاوت و بعضاً متضادی از امنیت بر ساخته می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۴ درصد حجم نمونه این فراتحلیل را می‌توان ذیل این رده موضوعی تعریف کرد که چند نمونه آن را می‌توان چنین برشمرد: ۱. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)؛ ۲. ولی پورزرومی، حسین (۱۳۸۳)؛ ۳. رحیمی، علیرضا (۱۳۹۸)؛ ۴. احمدوند، شجاع و احمدی، وحیده (۱۳۹۴)؛ ۵. رحیمی، علیرضا؛ کتابی، محمود (۱۳۹۳).

آرا و اندیشه‌های افراد: رهیافت تحلیل گفتمان در مطالعه آرا و اندیشه‌های روشنفکران و رهبران سیاسی و مذهبی نیز به کار گرفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که ۴ درصد حجم نمونه این فراتحلیل ذیل این رده موضوعی قرار می‌گیرند. بدیعی (۱۳۷۸)، حاج یوسفی و عرفانزاد (۱۳۹۰)؛ مهدی پور و آقاحسینی (۱۳۹۱)؛ نصیری مبارکه (۱۳۹۳)؛ آجیلی و اسماعیلی (۱۳۹۳) و خرمشاد و بشارت (۱۳۹۵) از پژوهشگرانی هستند که به بررسی افکار و عقاید رهبران سیاسی و مذهبی معاصر ایران از منظر گفتمانی پرداخته‌اند.

د. سنجش پژوهش‌های سیاسی گفتمانی در ایران

رهیافت گفتمانی، در واکنش به بی‌توجهی رهیافت‌های پوزیتیویستی مسلط بر علوم اجتماعی مطرح شد و رواج یافت. این رهیافت با تمرکز بر وجوه معنایی پدیده‌های اجتماعی و سیاسی نویدبخش دستیابی به لایه‌های عمیق‌تر این پدیده‌ها بود و همین باعث تسریع گسترش آن در حوزه‌ها و رشته‌های مختلف، از جمله رشته علوم سیاسی طی چند دهه اخیر شد. همانطور که نشان داده شد این رهیافت در قالب نگرش‌ها و روش‌های مختلف آن طی دو دهه اخیر در فضای دانشگاهی ایران نیز مسلط شد. در رشته علوم سیاسی نیز اقبال به این رهیافت بسیار شدید بود و انبوهی از کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی معطوف به ترویج یا کاربرد این رهیافت شد.

دستاورد رهیافت گفتمانی در مطالعات سیاسی ایران را می‌توان در دو سطح مورد سنجش و ارزشیابی قرار داد: نخست بر اساس میزان انطباق آن‌ها با اصول و مبانی رهیافت گفتمانی و دوم بر اساس انتقادات وارد بر خود این رهیافت. در سطح اول، موارد زیر قابل ذکر هستند:

۱. باقی‌ماندن در سطح کلیات و عدم نوآوری

بررسی ما نشان می‌دهد که بخش بزرگی از پژوهش‌های ایرانی از لحاظ نظری از سطح کلیات فراتر نمی‌روند و غالباً حول محور یک یا چند مفهوم گزینشی سامان می‌یابند و نشانه‌ای از ورود به جزئیات و دقایق نظری در آن‌ها دیده نمی‌شود. همانطور که نشان داده شد، رهیافت گفتمانی شامل طیف وسیعی از نگرش‌ها و نظریات است. از این میان نظریه لاکلائو و موفه

بیشترین اقبال و کاربرد را در پژوهش‌های سیاسی در ایران داشته است و در درجه بعد نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف و تحلیل گفتمان فوکویبی و همچنین ترکیبی از این سه نظریه مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

یکی از محورهای اصلی نظریه و روش گفتمانی لاکلائو و موفه که بر پویایی‌های زندگی اجتماعی و سیاسی دلالت دارد، «تحلیل فرایندهای سیاسی- گفتمانی ایجاد و فروپاشی هژمونی است»، اما این محور تقریباً در تمامی پژوهش‌هایی که این نظریه و روش در آن‌ها به کار بسته شده، غایب است. در این دسته از پژوهش‌های ایرانی غالباً بر تحلیل وضعیت‌های ایستا، به ویژه توصیف ساختار مفهومی اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌ها تمرکز شده و کار توصیف و تحلیل از حد توصیف دال مرکزی و سایر دال‌های اصلی گفتمان‌ها فراتر نرفته است. به عبارت دیگر، در حالیکه در تحلیل گفتمان از منظر لاکلائو و موفه انتظار این است که هم چگونگی ظهور و هم ساختار گفتمان‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد اما در غالب پژوهش‌های گردآوری شده صرفاً به ساختار گفتمان‌ها آن هم در سطح توصیفی بسنده شده است (برای نمونه نک: سلطانی ۱۳۸۴؛ نظری و سازمند ۱۳۸۷؛ دهقانی فیروزآبادی ۱۳۸۴؛ اخوان کاظمی ۱۳۸۹؛ آجیلی ۱۳۹۰). علاوه بر این، در نظریه لاکلائو و موفه، دال‌ها مترادف با مفاهیم نیستند و امور مادی و رخدادها نیز درون گفتمان‌ها همچون دال‌ها، بازنمایی‌کننده معانی هستند. پژوهشی که بر مبنای تحلیل گفتمان لاکلائو و موفه انجام می‌شود، باید نشان دهد که یک گفتمان خاص به عنوان یک طرح سیاسی چگونه معانی موجود را در راستای اهداف خود به هم پیوند می‌زند و واقعیت‌ها را به نحو جدیدی معنا می‌بخشد. اما در بسیاری از پژوهش‌های ایرانی دال‌ها مترادف با مفاهیم و گفتمان‌ها نیز مترادف با ایدئولوژی‌ها و اندیشه‌ها در نظر گرفته می‌شوند (عموم پژوهش‌هایی که از جمله به تحلیل گفتمانی انقلاب اسلامی پرداخته‌اند با این نارسایی مواجه‌اند برای نمونه نک: نظری و سازمند ۱۳۸۷؛ رهبری ۱۳۸۶؛ قجری ۱۳۸۸). در مباحث بعدی این گفتار بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت. به طور کلی در کاربست نظریه لاکلائو و موفه در پژوهش‌های ایرانی غالباً با نوعی سطحی‌نگری و تکرار مواجه هستیم.

پژوهش‌هایی هم که با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف صورت گرفته، غالباً از چنین کلی‌گویی‌ها و سطحی‌نگری‌هایی رنج می‌برند. پیش‌تر اشاره شد که تمرکز اصلی نظریه

گفتمان فرکلاف بر روابط متقابل و دیالکتیکی میان رخداد‌های گفتمانی با فرایندهای غیرگفتمانی است. هدف اصلی فرکلاف از تحلیل گفتمان، پس از توصیف و تفسیر متن (رخداد ارتباطی)، تبیین آن است. بدین معنا که نشان می‌دهد متن یا رخداد ارتباطی مورد تحلیل چه رابطه‌ای (بازتولیدکننده یا بعضاً تغییردهنده) با زمینه اجتماعی (غیرگفتمانی) دارد. لذا تبیین مهمترین سطح تحلیل گفتمان نزد فرکلاف است که خود مدعی است که این سطح از تحلیل صرفاً با مجهزبودن به نظریه‌ای اجتماعی قابل انجام است. این درحالی است که بخش عمده‌ای از پژوهش‌هایی که از نظریه فرکلاف استفاده کرده‌اند، بر توصیف متن متمرکز بوده و از تبیین متن و کشف ارتباط آن با زمینه اجتماعی غفلت شده است (برای نمونه نک: خانیکی ۱۳۷۷؛ فرقانی ۱۳۸۳). به علاوه این پژوهش‌ها در توصیف متن نیز به اجمال بسنده کرده و در سطح کلیات باقی مانده‌اند و از توجه به جزئیات، که مشخصه بارز آثار فرکلاف است، اثر چندانی در این پژوهش‌ها دیده نمی‌شود (برای نمونه نک: خلیلی و حمیدی ۱۳۹۰؛ اسدی و مخدومی ۱۳۹۵؛ بشیر و کرم فر ۱۳۹۳).

کاربرد نظریه فوکو در عرصه پژوهش‌های سیاسی ایران نسبت به سایر نظریه‌ها مشکل‌آفرین تر بوده است زیرا فوکو به‌رغم بصیرت عمیق نظری و بداعت بی‌نظیری که در پژوهش‌های تجربی از خود نشان داده، مباحث روش‌شناسی صریح و روشنی برای استفاده دیگران ارائه نکرده است. البته در یک نگاه کلی به آثار فوکو می‌توان این‌گونه استنباط کرد که در تحلیل گفتمان فوکویی باید نظام‌های دانش دیرینه‌شناسی و تبارشناسی شوند و مکانیزم‌های برساخت آنها و نیز نظام‌های بازنمایی‌های آنها که برسازنده ابژه‌ها و سوژه‌ها (برساخت هویت‌ها و جایگاه‌های سوژه) هستند، تحلیل شوند. با این حال در اغلب پژوهش‌هایی که مدعی کاربرد نظریه و روش فوکو در مطالعات سیاسی ایرانی بوده‌اند، به ذکر و تکرار مفاهیمی مانند دیرینه‌شناسی و تبارشناسی بسنده شده است. به عبارت دیگر، در این پژوهش‌ها اثر چندانی از تلاش پژوهشگران برای عملیاتی کردن این مفاهیم و کاربرد دقیق روش‌ها و تکنیک‌های تجربی به منظور کشف و کاوش در داده‌های مغفول تاریخی (که مشخصه بارز آثار تجربی فوکو است) دیده نمی‌شود (برای نمونه نک: فیرحی ۱۳۷۸، ۱۳۸۰؛ کدیور ۱۳۷۸؛ تاجیک ۱۳۸۴).

یکی دیگر از آسیب‌های پژوهش‌های سیاسی مبتنی بر نگرش فوکویی در ایران، کاربرد گزینشی و حتی برداشت‌های ایدئولوژیک از این نگرش است. در بسیاری از پژوهش‌های ایرانی از تحلیل‌های شالوده‌شکن فوکو از نظام دانش مسلط در تمدن جدید غربی و بر ملاکردن سلطه نهفته در این دانش صرفاً به منظور تخطئه تاریخ غرب استفاده می‌شود اما همین که نوبت به کاربرد این نگرش برای بررسی نظام دانش مثلاً در تاریخ ایران یا اسلام می‌رسد، پژوهشگران ایرانی از کاربرد این نگرش پرهیز می‌کنند و یا به تفسیری خنثی و غیرانتقادی از رابطه دانش و قدرت بسنده کرده و تلاشی برای بر ملاکردن سلطه نهفته در این گفتمان‌های بومی به عمل نمی‌آورند (برای نمونه نک: کجویان ۱۳۷۹، ۱۳۸۳).

۲. غفلت از وجه انتقادی و تمرکز بر وجه تفسیری رهیافت گفتمانی

از ویژگی‌های رهیافت گفتمانی این است که اگرچه در مجموع ذیل پارادایم تفسیری تعریف می‌شود؛ اما علاوه بر به دست دادن فهم و تفسیری عمیق از نظام‌های معنایی، به واسطه تحلیل نحوه برساخته شدن و تشکیل صورت‌بندی‌ها و نظام‌های معنایی حاکم در جامعه، بینشی انتقادی از این نظام‌ها نیز به دست می‌دهد. اساساً رویکرد گفتمانی (به خصوص در رویکردهای پسا-ساختارگرا) به تحلیل صرف امور واقع نمی‌پردازد؛ بلکه شرایط امکان ظهور امر واقع را کانون تحلیل و تحقیق قرار می‌دهد. در واقع رهیافت گفتمانی بیش از تمرکز بر فهم واقعیت‌های اجتماعی از جمله دانش‌ها و ایدئولوژی‌ها و هویت‌های سیاسی (وجه تفسیری) بر چگونگی ساخته شدن و تولید شدن آنها (وجه انتقادی) تمرکز می‌کند. با این حال در بخش عمده پژوهش‌های گردآوری شده در این تحقیق، بر ارائه تفسیر و توصیف از گفتمان‌ها یا ساختارهای معنایی تمرکز شده است و نحوه برساخت آنها و تحول در نظام‌های معنایی مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. این پژوهش‌ها نیز اگرچه در نوع خود پژوهش‌های مفید هستند و دستاوردهایی در فهم نظام‌های معنایی حاکم بر جامعه داشته‌اند؛ اما باقی ماندن در سطح توصیف و تفسیر، موجب غفلت از وجه انتقادی تحلیل گفتمان می‌شود. در بسیاری از این پژوهش‌ها اصول و مبانی جوهری اندیشه‌ها، ایدئولوژی‌ها و دانش‌ها، به مثابه واقعیت‌هایی جوهری نگریده شده‌اند. این کارها از این جهت توصیفی هستند و انتقادی نیستند که ایدئولوژی‌ها و مبانی

فکری آنها را به مثابه اموری ذاتی و جوهری تحلیل می‌کنند (برای نمونه نک: نظری و سازمند ۱۳۸۷؛ رهبری ۱۳۸۶؛ قجری ۱۳۸۸؛ اخوان کاظمی ۱۳۸۹؛ آجیلی ۱۳۹۰).

۳. خلط تحلیل ایدئولوژی با تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان با تحلیل ایدئولوژی و اندیشه اگرچه نزدیکی و وجوه تشابهی دارند؛ اما تفاوت‌هایی جدی میان این دو وجود دارد. تحلیل گفتمان اساساً سطح تحلیلی متفاوت و کلان‌تر از تحلیل ایدئولوژی دارد. گفتمان در رویکرد معنا محور- کلان (فوکو، لاکلائو و موفه) البته مانند ایدئولوژی به مثابه نظامی معنایی است که کارکرد معنا بخشی و هویت بخشی دارد و نوعی نقشه شناختی^۱ ترسیم می‌کند که افراد درون آن جایگاه خود و نحوه ارتباط با جهان پیرامون را در می‌یابند. در تحلیل گفتمان علاوه بر اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌ها، رفتارها و کنش‌ها، امور مادی و غیرمادی نیز وارد تحلیل می‌شوند. علاوه بر این همان‌طور که در قسمت مبانی مفهومی اشاره شد در رهیافت‌های معنا محور- کلان نحوه برساخته شدن، تأسیس و شکل‌گیری نظام معنایی درون کلیت گفتمان در کانون تمرکز مطالعاتی قرار می‌گیرد.

باین‌حال در بسیاری از پژوهش‌های گردآوری شده، شاهد خلط مبحث میان تحلیل ایدئولوژی با تحلیل گفتمان هستیم به گونه‌ای که بسیاری از این پژوهش‌ها را می‌توان تحلیل ایدئولوژی و تحلیل اندیشه دانست. بسیاری از این پژوهش‌ها عمدتاً توصیف اصول فکر و اندیشه‌ها (چه در افراد و چه در رخدادها) یا در نهایت توصیف مبانی ایدئولوژی یک جنبش یا یک جریان با عنوان‌هایی مانند تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی یا تحلیل گفتمان اسلام شیعی یا... هستند. در بسیاری از این پژوهش‌ها برخلاف تحلیل گفتمان که در آن باید از چگونگی تحول و خلق نظام‌های معنایی سخن گفت، به غلط به قابلیت‌های ذاتی یک ایدئولوژی یا یک اندیشه برای بسیج مردم پرداخته می‌شود و همچنین اصول و پایه‌های مفهومی و فکری یک ایدئولوژی به

1. cognitive map

غلط به‌عنوان دال‌های یک گفتمان برشمرده می‌شود (برای نمونه نک: نظری و سازمند ۱۳۸۷؛ رهبری ۱۳۸۶؛ قجری ۱۳۸۸؛ اخوان کاظمی ۱۳۸۹).

در حالی که برای نمونه در تحلیل گفتمانی از انقلاب اسلامی، باید گفتمان انقلاب اسلامی را به‌مثابه نظامی معنایی در نظر گرفت که درون آن نظریات اندیشمندان، احکام جدی، مناظرات میان تفکرها، فهم بین‌الادلهانی روشنفکران و عموم مردم شکل می‌گیرد و به‌طور کلی یک افق هستی‌شناختی را می‌سازد. بنابراین باید در شکل‌گیری و برساخته‌شدن این افق هستی‌شناختی از نقش مبارزان سیاسی و ایدئولوگ‌های انقلاب فراتر رفت. تحلیل گفتمانی ایدئولوژی انقلاب اسلامی صرفاً در قالب تلاش‌های فکری ایدئولوگ‌های انقلاب تحلیل نمی‌شود. در تحلیل گفتمانی نمی‌توان برخلاف تحلیل ایدئولوژی، از قابلیت‌های ذاتی یک اندیشه برای قدرت‌یافتن صحبت کرد؛ بلکه نحوه برساخته‌شدن این نظام معنایی باید مرکز توجه قرار گیرد. یعنی باید شرایط گفتمانی که با آن از جمله دین سیاسی شد و گرایش انقلابی یافت، تحلیل شود. در تحلیل نحوه برساخته‌شدن نظام معنایی انقلاب اسلامی باید به فرایندهای گفتمانی مانند مرزگذاری‌ها و غیریت‌سازی‌ها که در ساخته‌شدن هویت مهم هستند برای نمونه میان اصالت و التقاط، میان مستضعفین و مستکبرین، میان خودی و غیرخودی‌ها و... و همچنین برجسته‌سازی‌ها و حاشیه‌رانی‌ها در ترسیم و تعریف این مرزبندی‌ها باید تحلیل شوند. رهیافت گفتمانی به‌ویژه در شاخه پسا ساختارگرا ضد ذات‌گرایی است و از این رو، در آن آنچه مهم است نوع مفصل‌بندی و چینش نشانه‌ها و نمادهای مذهبی در قالب یک گفتمان سیاسی مخالف و غیریت‌ساز است نه خود مذهب مثلاً محتوای ذاتی اصول تشیع، زیرا از نظر این رویکرد معنا و اصول ذاتی و ثابت نداریم.

۴. آشفتگی در سطح تحلیل

همان‌طور که در مبانی مفهومی این مقاله بدان پرداخته شد، در رهیافت گفتمانی به‌طور کلی می‌توان دو تعریف خرد و کلان از گفتمان را از یکدیگر متمایز کرد. در تعریف خرد، گفتمان به‌طور خلاصه به‌معنای زبان به‌کارگرفته‌شده در یک متن است (مانند گفتار یا نوشتار) و در تعریف کلان، گفتمان به‌طور خلاصه به‌معنای یک نظام معنایی است. یکی از اشتباهات رایج در

پژوهش‌های ایرانی در این است که تحلیل گفتمان در سطح کلان را با تحلیل گفتمان در سطح فرد مغشوش می‌سازند. برای نمونه در تحلیل‌های گفتمانی وقتی تحلیل را در سطح فردی به کار می‌بریم مانند تحلیل گفتمان بوش یا بلر، منظور تحلیل زبان به کار گرفته شده توسط آنان است (رویکرد خرد) اما در بسیاری از پژوهش‌های ایرانی منظور از تحلیل گفتمان امام خمینی (ره) یا تحلیل گفتمان خاتمی و... تحلیل زبان به کار گرفته توسط ایشان در یک سخنرانی یا مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها نیست (رویکرد خرد). در بسیاری از این گونه پژوهش‌ها اساساً از داده‌های متنی استفاده نمی‌شود و هدف از پژوهش تحقیق در یک نظام معنایی کلان (رویکرد کلان) است (برای نمونه نک: روحانی ۱۳۹۱؛ بطحایی ۱۳۹۲؛ جاودانی مقدم ۱۳۹۳).

در بسیاری از این پژوهش‌ها، رویکرد کلان در تحلیل گفتمان (نظریات فوکو و لاکلائو-موفه) به راحتی در سطح اندیشه افراد و تحلیل اندیشه آنها به کار گرفته می‌شود و این در حالی است که این نحوه به کارگیری، با مبانی این نظریات در تضاد است. اگرچه در تحلیل ایدئولوژی و اندیشه (و نه تحلیل گفتمان) می‌توان بر نقش افراد و اندیشه‌های‌شان به مثابه ایدئولوگ‌ها تأکید کرد، اما اگر پژوهشگر گفتمانی بخواهد به استلزامات رویکرد کلان ملتزم باشد، نمی‌توان افراد و رهبران سیاسی و فکری را به آسانی به عنوان تولیدکنندگان نظام‌های معنایی در نظر گرفت. در رویکرد گفتمانی کلان نخبگان سیاسی و فکری خود سوژه‌های گفتمان‌ها (جایگاه‌های سوژه‌گی) هستند و در واقع نه تولیدکننده، بلکه تولیدشده توسط گفتمان‌ها هستند. بنابراین استفاده از چارچوب‌های نظری فوکویی یا لاکلائو-موفه ای برای تحلیل اندیشه افراد، کاربستی غلط است. البته در درون رویکرد کلان به تحلیل گفتمان، نقش نخبگان و رهبران فکری-سیاسی به‌ویژه در دوره بی‌قراری گفتمان‌ها و ره‌اشدگی از قیود ساختاری برجسته می‌شود و در فضایی که در این دوره بی‌ثباتی گفتمان‌ها شکل می‌گیرد می‌توانند نقشی فعالانه تر بازی کنند. برای نمونه در این رویکرد ایدئولوگ‌هایی مانند حضرت امام(ره) یا دکتر شریعتی و... منشأ و تولیدکننده گفتمان‌ها نیستند؛ بلکه خود سوژه‌ها و حاملین گفتمان‌ها هستند که خود درون منابع فرهنگی و زبانی از قبل موجود درون یک جامعه قرار دارند؛ اما پیوندزدن و مفصل‌بندی جدیدی از عناصر معنایی و همچنین غیریت‌سازی‌های جدید، به دال‌های پیشین هویت و معانی جدیدی می‌بخشند و برای نمونه منظومه‌ای انقلابی و سیاسی از دین به دست می‌دهند.

نتیجه‌گیری

پس از حدود سه دهه از ورود رهیافت گفتمانی به پژوهش‌های سیاسی در ایران به نظر می‌رسد اکنون زمان نگرشی کلی در خصوص مجموعه این پژوهش‌ها و ارزیابی انتقادی ویژگی‌ها و کاستی‌های آنها و نیز تنوع گرایش‌های نظری و مضامین و موضوعات آنها فرارسیده است. علاوه بر این یکی از اهداف اصلی این پژوهش تلاش در راستای بسط و گسترش ادبیات انتقادی در خصوص رهیافت گفتمانی بوده است که به نظر می‌رسد بررسی بی‌کفایتی این رهیافت در تحلیل و تبیین تمامی ابعاد سیاست از ضرورت‌های این مرحله از مباحثات نظری در مطالعات سیاسی ایران است.

در راستای پرسش مطرح‌شده در این مقاله تلاش شد تا با رویکردی فراتحلیلی بررسی شود که رهیافت گفتمانی در پژوهش‌های سیاسی در ایران دارای چه ویژگی‌هایی بوده است، چه گرایش‌های نظری و مضامینی در آن غالب بوده، بر چه موضوعاتی متمرکز شده و چه دستاوردهایی داشته و دچار چه کاستی‌ها و چالش‌هایی است. در راستای شناسایی و گردآوری منابع مد نظر، با اعمال دو محدودیت عمده، یعنی ۱. خارج نمودن پژوهش‌های صرفاً نظری - مفهومی از دایره فراتحلیل و تمرکز بر پژوهش‌های تجربی و ۲. خارج نمودن پژوهش‌های انجام‌شده در سایر رشته‌ها از دایره فراتحلیل و تمرکز بر رشته علوم سیاسی، با جستجوی کلیدواژه‌های مربوطه در پایگاه‌های معتبر علمی در کشور نهایتاً ۲۳۷ مورد از پژوهش‌ها شناسایی و گردآوری شد. سپس با توجه به اینکه بخشی از این پژوهش‌ها فاقد معیارهای تحت بررسی در این پژوهش بوده‌اند، نهایتاً ۳۶ مورد از این پژوهش‌ها نیز از فهرست‌هایی گردآوری‌شده حذف شدند و بر ۲۰۱ مورد تمرکز شد.

همان‌طور که در قسمت ارزیابی و انتقادات نیز مطرح شد، کاستی‌های رهیافت گفتمانی در پژوهش‌های سیاسی در ایران را می‌توان در دو سطح نقد و ارزیابی کرد. در یک سطح پژوهش‌های گفتمانی انجام‌شده در ایران را می‌توان با توجه به میزان انطباق و هم‌سویی با رهیافت‌های گفتمانی اعلام‌شده در این پژوهش‌ها نقد و ارزیابی نمود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که باقی‌ماندن در سطح کلیات و عدم نوآوری، غفلت از وجه انتقادی و تمرکز بر وجه تفسیری، آشفتگی در سطح تحلیل، خلط تحلیل گفتمان با تحلیل ایدئولوژی بخشی از

ویژگی‌ها، گرایش‌ها و کاستی‌های پژوهش‌های گفتمانی در ایران هستند که با معیار هم‌سویی و انطباق این پژوهش‌ها با رهیافت‌های ادعایی می‌توان به آنها دست یافت. در بخش عمده‌ای از این پژوهش‌های گفتمانی در ایران به جای کاربست و اتخاذ صحیح و دقیق این رهیافت، بیشتر با ادعای کاربست آن مواجه هستیم.

از دیگر ویژگی‌ها و کاستی‌های پژوهش‌های گفتمانی در کشورمان این است که در بخش وسیعی از پژوهش‌ها رهیافت گفتمانی عمدتاً در سطح چارچوب نظری بسط داده شده است و چندان پیوند منسجمی میان چارچوب نظری- مفهومی با الگوی تحلیل در پژوهش دیده نمی‌شود. این پژوهش‌ها اگرچه ادعای اتخاذ رهیافت گفتمانی را دارند ولی در سطح کلیات باقی می‌مانند و استلزامات نظری و مفهومی رویکرد گفتمانی اعلام‌شده در چارچوب نظری، در سطح الگوی تحلیلی پژوهش بسط نمی‌یابد. در بخشی دیگر از پژوهش‌ها، اگرچه از مفهوم گفتمان یا تحلیل گفتمان در عنوان یا کلیدواژه‌های پژوهش استفاده شده است، اما چنان تلقی عامی از گفتمان مد نظر پژوهشگر بوده است که با مفهوم فنی آن به مثابه یک رهیافت مطالعاتی که دارای تعریف، نحله‌ها، چارچوب مفهومی و استلزامات نظری مختص خود است، متفاوت است. این دسته از پژوهش‌ها اگرچه طیفی از قوی تا ضعیف را شامل می‌شوند، پژوهش‌هایی هستند که به‌رغم استفاده از مفهوم گفتمان یا تحلیل گفتمان در عنوان پژوهش، اساساً رهیافتی گفتمانی به موضوع مورد مطالعه خود اتخاذ نکرده‌اند و در معنای دقیق مد نظر این پژوهش اساساً پژوهش‌های گفتمانی محسوب نمی‌شوند.

علاوه بر انتقادات فوق‌الذکر که ویژگی‌ها و کاستی‌های پژوهش‌های ایرانی مبتنی بر رهیافت گفتمانی را نشان می‌دهد، خود رهیافت گفتمانی نیز دچار کاستی‌ها، نارسایی‌ها و بی‌کفایتی‌های نظری است که در سطح جهانی بدان پرداخته شده است و این کاستی‌ها به تبع در پژوهش‌های ایرانی نیز بازتاب می‌یابند.

در سطح جهانی انتقادات بسیاری بر رهیافت گفتمانی وارد شده است از جمله اینکه: ضعف آن در قدرت پیش‌بینی است و زمان کاربردش عموماً پس از وقوع رخداد است؛ رهیافت گفتمانی رهیافتی تفسیرگراست و در یک رهیافت سیاسی جامع صرفاً فهم و تفسیر کافی نیست؛ بلکه باید بتواند تبیین نیز کند؛ در این رویکرد تمرکز بر ابعاد نامرئی اعمال قدرت است

(متأثر از فوکو) و هر رویه طبیعی و بدیهی محصول رسوب معانی است (معانی رسوب کرده) در صورتی که در سیاست در جهان امروز بخش عمده‌ای از اعمال قدرت به صورت آشکار و در شکل اجبار اعمال می‌شود؛ متأثر از نگاه فوکو که قدرت را در معنایی خاص تعریف می‌کند، قدرت چیزی نیست که در اختیار باشد بنابراین چندان به وجه عینی و نهادی قدرت که در دولت متمرکز است و با ابزارهای قانونی و نهادی اعمال می‌شود توجهی ندارد. باین حال مهم‌ترین انتقاد وارده بر رهیافت گفتمانی، باقی ماندن این رهیافت در سطح گفتمانی و تمرکز بر وجه معنایی سیاست است که موجب غفلت این رهیافت از وجوه غیرگفتمانی، نهادی، ساختاری و کلان در تحلیل و تبیین سیاست و پویایی‌های سیاسی است. در گذار از این کاستی‌ها و نواقص می‌توان به دنبال چارچوب‌های بدیلی بود که از تمرکز صرف بر سطح درون گفتمانی فاصله بگیرد و تبیین پویایی‌های سیاسی، ساختارهای معنایی - فرهنگی را به همراه توجهی مجدد به ابعاد کلان، ساختاری و نهادی سیاست مورد بررسی قرار دهد.

منابع

- ابراهیمی، نبی‌اله (۱۳۸۹)، گفت‌وگو با امام سلفی و جهانی شدن امنیت خاورمیانه، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم زمستان ۱۳۸۹، ش ۴ (پیاپی ۵۰)
- احمدوند، شجاع و احمدی، وحیده (۱۳۹۴)، چگونگی برساخت «واقعیت ایران» در تمایزسازی گفت‌وگو صهیونیسم، پژوهشکده مطالعات راهبردی، دوره ۱۸، بهار ۹۴، ش ۶۷.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۹)، نقد و ارزیابی گفت‌وگوهای اجتماعی-سیاسی مطرح در جمهوری اسلامی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ادیب‌زاده، مجید (۱۳۸۷)، زبان، گفت‌وگو، سیاست خارجی: دیالکتیک بازنمایی از غرب در جهان نمادین ایرانی، تهران: اختران
- اسدی، عباس و مخدومی، هادی (۱۳۹۵)، مفهوم عدالت پس از انقلاب اسلامی (تحلیل گفت‌وگو روزنامه‌های کیهان و شرق) بهار ۹۵، ش ۱۶
- اکوانی، حمداله (۱۳۹۰) بازنمایی سیاسی ایران در رسانه‌های تصویری خبری غرب، مطالعه موردی: مستندهای خبری ۱۳۷۶-۱۳۸۹، رساله دکترا، دانشگاه شهید بهشتی، راهنما: باقر حشمت‌زاده
- اکوانی، حمداله و نوروزی‌نژاد، جعفر (۱۳۹۳) تحلیل گفت‌وگو یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، رهیافت انقلاب اسلامی تابستان ۹۳، ش ۲۷
- ایران‌نژاد، ابراهیم (۱۳۹۰) گفت‌وگو اصول‌گرایی اسلامی در ایران بعد از انقلاب، تهران: انتشارات امیر کبیر
- آجیلی، هادی و اسماعیلی، علی (۱۳۹۳)، تحلیل گفت‌وگو آیت اله خامنه‌ای پیرامون رابطه ایران و آمریکا، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، تابستان ۹۳، ش ۹
- آجیلی، هادی (۱۳۹۰)، صورت‌بندی گفت‌وگو اسلامی در روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
- بر، ویوین (۱۳۹۴) برساخت‌گرایی اجتماعی، ترجمه: اشکان صالحی، تهران: نشر نی
- بروجردی، مهرزاد (۱۳۷۷)، روشنفکران ایرانی و غرب: سرگذشت نافرجام بومی‌گرایی، ترجمه جمشید شیرازی، تهران: نشر فرزانه
- بشیر، حسن و حاتمی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، تحلیل گفت‌وگو سرمقاله‌های کیهان، اطلاعات و جمهوری اسلامی درباره درباره حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم، پژوهش‌های راهبردی سیاست، پاییز ۹۲، ش ۶
- بشیر، حسن و کرم‌فر، علی اصغر (۱۳۹۳)، بازنمایی رسانه‌ای بحران سوریه در وب سایت‌های بی‌بی‌سی عربی، العربیه و العالم، مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، پاییز ۱۳۹۳، شماره ۳۸
- بطحایی، سید مصطفی (۱۳۹۲)، تأثیر گفت‌وگو امام بر بیداری ملت‌های مصر، تونس و بحرین، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، زمستان ۹۲، شماره ۷
- بهرامی‌پور، فاطمه (۱۳۹۲)، برساخته‌شدن ایران به عنوان دیگری دشمن در گفت‌وگو رسانه‌ای آمریکا، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه تهران، استاد راهنما: حمیرا مشیرزاده

- بیننده، مسعود (۱۳۹۳)، تحلیل جامعه شناختی برساخت گفتمانی هویت اجتماعی (مطالعه موردی شهر سنندج)، رساله دکتری، دانشگاه تهران، استاد راهنما: ابوالحسن تنهایی
- پاداشی، آتنا (۱۳۸۸)، چرخش معنایی مفهوم زنانگی در گفتمان انقلاب، سازندگی و اصلاحات، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه علامه، استاد راهنما: محمد جواد غلامرضا کاشی
- پنیکوک، الستر (۱۳۷۸)، گفتمان‌های قیاس ناپذیر، ترجمه علی اصغر سلطانی، فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره چهارم
- پویتون، کیت (۱۳۸۸)، زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان در فرهنگ و متن، ویراسته آلیسون لی و کیت پویتون، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، غیریت، هویت و انقلاب: شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران، پژوهشنامه متین، ش ۱
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹) جامعه امن در گفتمان خاتمی، تهران: نشر نی
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۲) تجربه بازی سیاسی میان ایرانیان، تهران: نشر نی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴) روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران: نشر فرهنگ گفتمان
- تاجیک، محمدرضا و روزخوش، محمد (۱۳۸۷). بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی سال شانزدهم تابستان ۱۳۸۷ شماره ۶۱ ویژه نامه علوم اجتماعی (۵).
- ترابی، الهه (۱۳۹۲) استعاره در گفتمان سیاسی: تحقیقی بر اساس سخنرانی‌های دکتر محمود احمدی نژاد، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، استاد راهنما: پاکزاد یوسفیان
- ترنر، گرایم (۱۳۸۸) «ایده مطالعات فرهنگی»، ترجمه جمال خسروی در: درباره مطالعات فرهنگی، ویراسته جمال محمدی، تهران: نشر چشمه
- جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۳). کاربست رهیافت گفتمان در تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه خمینی(ره)، مطالعات انقلاب اسلامی، پاییز ۹۳، شماره ۳۸
- حاجی ناصری، سعید و اکرمیان، محمد حسین (۱۳۹۴) تبیین شاخص‌های گفتمانی و نمادین گروهک تروریستی جیش العدل در تعارض با ج.ا. ایران، مطالعات انقلاب اسلامی، تابستان ۹۴، ش ۴۱
- حسینی‌زاده، محمد علی (۱۳۸۶) اسلام سیاسی در ایران، قم: انتشارات دانشگاه مفید
- خالق‌دوست، علیرضا (۱۳۹۱) بررسی بحران بوسنی و هرزگوین از منظر تحلیل گفتمان، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه علامه، استاد راهنما: حسین سلیمی
- خانیکی، هادی (۱۳۷۷) در آمدی بر رابطه میان نظام اجتماعی و ساختار زبانی و مطبوعات؛ تحلیل گفتمان دو نشریه شاخص دوران پراکندگی و تمرکز قدرت سیاسی در ایران، فصلنامه گفتمان پاییز ۱۳۷۷ شماره ۲
- خزایی، هادی (۱۳۹۷) بررسی امکان یا امتناع تولد سوژه سیاسی در ایران پسا انقلاب (سوژه، حکومت مندی و مقاومت در ایران) پایان‌نامه ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، استاد راهنما: محمدرضا تاجیک
- خلیلی، محسن و حمیدی، سمیه (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان مقوله سیاست خارجی در مذاکرات نخستین دوره مجلس شورای ملی مشروطیت، پژوهشنامه علوم سیاسی، پاییز ۹۰ ش ۲۴
- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۶) فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران، دانش سیاسی، زمستان ۸۶ ش ۶
- درخشه، جلال (۱۳۸۱) گفتمان سیاسی شیعه در ایران معاصر، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- دوست محمدی، احمد و زحمتکش، حسین (۱۳۸۷)، زمینه‌های گفتمانی عروج بنیادگرایی اسلامی در جهان عرب، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پاییز ۸۷ ش ۱

- دهقانی فیروزآبادی، جلال و عطایی، مهدی (۱۳۹۴)، تحلیل گفتمانی سیاست هسته‌ای دولت احمدی نژاد از هژمونی تا افول، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل، سال ۴، شماره ۱
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۳)، چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دولت بازرگان تا دولت روحانی، تهران: نشر مخاطب
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۴)، تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات روزنامه ایران
- دین پرست، فائز (۱۳۸۹) تحلیل گفتمان ولایت فقیه در نظام سیاسی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق
- رحیمی، علیرضا؛ کتابی، محمود (۱۳۹۳)، گفتمان امنیتی دولت‌های نهم و دهم به مثابه «گفتمان قبض و بسط انقلابی جدید»، فصلنامه مطالعات راهبردی دوره ۱۷، شماره ۶۶، پاییز
- رحیمی، علیرضا (۱۳۹۸)، گفتمان اعتدال و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶)، فصلنامه مطالعات راهبردی دوره ۲۲، شماره ۸۳، بهار
- روحانی، حسن (۱۳۹۱)، گفتمان امام خمینی پیرامون امنیت ملی و سیاست خارجی، راهبرد، زمستان ۹۱ ش ۶۵
- رهبری، مهدی (۱۳۸۶)، شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران، پژوهش سیاست، پاییز و زمستان ۸۶ ش ۲۳
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴)، قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نی
- شفایی، امان‌الله (۱۳۹۷)، تحلیل گفتمانی اسلام‌های سیاسی در افغانستان، تهران: موسسه‌ی مطالعات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
- شیخ الاسلامی، حسن و شیرواند، صادم (۱۳۹۲)، بررسی گفتمان آپارتاید در آفریقای جنوبی سابق با اسرائیل، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، پاییز ۹۲ ش ۱۶
- صادقی، بهادر و طباطبایی، محمد (۱۳۹۵)، جایگاه گفتمان‌های استعاری در سیاست خارجی ج.ا.ایران، فصلنامه سیاست جهانی، زمستان ۹۵ ش ۴
- صمصامی، مرضیه (۱۳۹۲)، چگونگی برساخته شدن هویت اجتماعی زن در گفتمان اصلاح‌طلبی، پایان‌نامه ارشد، پژوهشکده امام خمینی (ره)، استاد راهنما: محمد سالار کسرابی
- عباس آبادی، همایون (۱۳۷۷)، مخالفین مذهبی و هژمونی سیاسی ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، استاد راهنما: محمدرضا تاجیک
- عوض پور، مهدی و میراحمدی، منصور (۱۳۹۴)، گفتمان سلفی معاصر در جهان عرب، زمینه‌های خیزش و منظومه‌های معنایی، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، زمستان ۹۴ ش ۴۴
- غلامرضا کاشی، محمد جواد (۱۳۷۹)، جادوی گفتار: ذهنیت فرهنگی و نظام معنایی در انتخابات دوم خرداد، تهران: آینده پویان
- غلامرضا کاشی، محمد جواد (۱۳۷۹)، گفتمان دموکراسی در ایران؛ ذهنیت تجدید پیرامونی و بحران مشروعیت دولت مدرن در ایران، رساله دکترا، دانشگاه تهران
- غلامرضا کاشی، محمد جواد (۱۳۹۲)، اسلام سیاسی در ایران، ظهور یوتوپیک، حیات ایدئولوژیک و چشم اندازه‌ها؛ مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هفتم، شماره ۳، پاییز ۹۲
- غلامرضا کاشی، محمد جواد و هلالی ستوده، مینا (۱۳۹۲)، واکاوی نظارت بر تن زنانه در ایران پس از انقلاب اسلامی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال نهم، شماره ۳۲
- غلامرضا کاشی، محمد جواد (۱۳۸۵)، نظم و تحول گفتار دموکراسی در ایران، تهران: نشر گام نو
- فرقانی، محمد مهدی و زرین، زدرار (۱۳۹۱)، تحلیل گفتمان پیام نوروزی اوپاما (۲۰۰۹ و ۲۰۱۰)، راهبرد، بهار ۹۱ ش ۶۲
- فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۳)، راه دراز گذار: تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران (۱۳۷۷ - ۱۳۸۵)، تهران: فرهنگ و اندیشه

فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه: فاطمه شایسته پیران، شعبان علی بهرام پور، رضا ذوقدار مقدم، رامین کریمیان، پیروز ایزدی، محمد جواد غلامرضا کاشی، محمود نیستانی؛ تهران: انتشارات دفتر مطالعه و توسعه رسانه‌ها
 فوکو، میشل (۱۳۷۸)، نظم گفتار: درس افتتاحی در کلژ دو فرانس دوم دسامبر ۱۹۷۰، مترجم: باقر پرهام، تهران: موسسه انتشارات آگاه، چاپ اول

فوکو، میشل (۱۳۸۱)، تاریخ جنون در عصر کلاسیک، مترجم: فاطمه ولیانی، تهران: هرمس، چاپ اول
 فوکو، میشل (۱۳۸۴)، پیدایش کلینیک: دیرینه‌شناسی ادراک پزشکی؛ مترجم: یحیی امامی، تهران: نقش و نگار، چاپ اول
 فوکو، میشل (۱۳۸۷)، مراقبت و تنبیه: تولد زندان؛ مترجم: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی چاپ اول
 فوکو، میشل (۱۳۸۹)، نظم اشیاء: دیرینه‌شناسی علوم انسانی؛ مترجم: یحیی امامی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول

فوکو، میشل (۱۳۹۳)، دیرینه‌شناسی دانش، مترجم: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی، چاپ اول
 فیرحی، داوود (۱۳۷۸)، قدرت، دانش، مشروعیت در اسلام، تهران: نشر نی
 فیرحی، داوود (۱۳۸۰)، دولت اسلامی و تولیدات فکر دینی، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بهار ۸۰، ش ۸۳۱
 قاسمی، فائزه (۱۳۹۵)، ساخت تشیع به عنوان خصم در گفتمان داعش، رساله دکترا، دانشگاه تهران، استاد راهنما: ناصرهادیان
 قجری، حسینعلی (۱۳۸۷)، تحلیل گفتمان تکوین و هژمونیک شدن اصول‌گرایی شیعی در ایران، رساله دکترا، دانشگاه تربیت مدرس، راهنما: علیرضا شجاعی زند

قجری، حسینعلی (۱۳۸۸)، تحلیلی بر گفتمان سیاسی امام خمینی (س) در انقلاب اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی متین ۱۳۸۸ شماره ۴۵

قریشی، یوسف (۱۳۹۵) واشکافی قطعه‌نامه‌های شورای امنیت ناظر بر کره شمالی: تحلیل گفتمانی با نگاه فرکلاف، فصلنامه سیاست جهانی، تابستان ۹۵

کچویان، حسین (۱۳۸۳). تجدد از نگاهی دیگر، روایتی ناگفته از چگونگی ظهور و رشد تجدد، تهران: گنج معرفت
 کچویان، حسین (۱۳۸۴) تطورات گفتمان‌های هویتی ایران، تهران: نشر نی
 کچویان، حسین (۱۳۷۹). فوکو و دیرینه‌شناسی دانش، روایت تاریخ علوم انسانی از نوزایی تا مابعدالتجدد، انتشارات دانشگاه تهران

کدیور، جمیله (۱۳۷۸)، تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران، تهران: طرح نو
 کسرابی، سالار و پوزش شیرازی، علی (۱۳۹۰)، تحلیل گفتمان جنبش دانشجویی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با استفاده از نظریه لاکلاو و موفه (۵۸ الی ۷۶)، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پاییز ۹۰ ش ۳

کسرابی، محمدسالار کسرابی و رضایی، محمد و مرادخانی، همایون (۱۳۹۰)، فوکو: حکومت مندی، سوژه سیاسی و کنش سیاسی، دانشنامه علوم اجتماعی تربیت مدرس (جامعه‌شناسی تاریخ) دوره سوم پاییز و زمستان ۱۳۹۰
 لاکلاو، ارنستو و موفه، شانتال (۱۳۹۲)، هژمونی و استراتژی سوسیالیستی به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال، مترجم: محمد رضایی، تهران: نشر ثالث، چاپ اول

محسنی راد، فرزانه (۱۳۹۴)، زبان و اقتدار گفتمانی؛ راهبردهای زبانی ایجاد سلطه و اقتدار. مطالعه موردی: تحلیل گفتمان جرج دبلیو بوش، تهران: نشر روناس

محمد زاده، اصغر (۱۳۹۴)، زمینه‌ها و عوامل هژمونیک شدن اسلام فقاهتی و چالش‌های پیش رو، رساله دکترا، دانشگاه تهران، استاد راهنما: صادق زیباکلام

- مدیرشانه چی، محسن و سلیمان پور، علی (۱۳۹۴)، درآمدی بر قانون گرای و آزادیخواهی در گفتمان مشروطیت ایران، رهیافت انقلاب اسلامی، زمستان ۹۴ ش ۳۳
- مراذخانی، همایون (۱۳۹۵)، اراده به اداره کردن: حجاب و ابژه‌های آن پس از انقلاب اسلامی، جامعه‌شناسی ایران سال هفدهم بهار و تابستان ۱۳۹۵ شماره ۱ و ۲
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بهار ۸۳ ش ۵۱۹
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، چرخش در سیاست خارجی امریکا و حمله به عراق: زمینه‌های گفتمانی داخلی، فصلنامه سیاست، تابستان ۸۶ ش ۲
- مشیرزاده، حمیرا و بهرامی‌پور، فاطمه (۱۳۹۶)، تحلیلی استعاره‌ای از ساخت ایران در روزنامه‌های مهم ایالات متحده امریکا (۲۰۱۳-۲۰۰۱)، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، شماره ۳، پاییز ۹۶
- مشیرزاده، حمیرا و مصباح، احسان (۱۳۹۰)، موضوع اسرائیل در گفتمان سیاست خارجی ج ا ایران، فصلنامه روابط خارجی، بهار ۹۰ ش ۹
- مشیرزاده، حمیرا و همویی، فاطمه (۱۳۹۱)، گفتمان سیاست اروپایی بریتانیا تحلیل استعاره‌ای، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی پاییز ۹۱ ش ۱۲
- موسوی، سید محمد (۱۳۸۷)، تحول گفتمان سیاسی تشیع در قرن ۲۰، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بهار ۸۷ ش ۱
- موفه، شانناتل (۱۳۹۳). بازگشت امر سیاسی، مترجم: عارف اقوامی‌مقدم، تهران: رخداد نو، چاپ اول
- نبوی، عبدالامیر و نجات، علی (۱۳۹۳)، جریان شناسی جریان‌های نوسلفی سوریه بر اساس تحلیل گفتمان، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، زمستان ۹۳ ش ۱۳
- نظری، علی اشرف (۱۳۸۶)، مدرنیته و هویت سیاسی: واکاوی تکاپوهای هویتی در ایران، رساله دکترا، دانشگاه تهران
- نظری، علی اشرف (۱۳۸۶)، هویت مدرن و ظهور گفتمان مشروطیت در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، ۸۶ ش ۳۲
- نظری، علی اشرف (۱۳۸۸)، گفتمان هویتی تجددگرایان ایرانی در انقلاب مشروطیت، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، زمستان ۸۸ ش ۴
- نظری، علی اشرف و سازمند، بهاره (۱۳۸۷)، گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- نقیسه زارع‌کهن (۱۳۹۷)، گفتمان تبلیغات انتخاباتی: تاملی بر انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ تهران: روزنه
- نقیب زاده، احمد و همویی، فاطمه (۱۳۹۲)، انگیز و اروپا: تحلیل گفتمان سیاست خارجی (مدل لاکلائو و موفه)، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، بهار ۹۲ ش ۱۴
- ولی پورزرومی، حسین (۱۳۸۳)، گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ون دایک، تئو (۱۳۸۲)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان، از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی، ترجمه پیروز ایزدی، شعبانعلی بهرام پور، علیرضا خرمایی، محمد جواد غلامرضا کاشی، تژا میرفخرایی، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
- هادیان، ناصر (۱۳۸۹)، برنامه هسته‌ای ایران: تکثر دیدگاه‌ها و زمینه‌های گفتمانی، فصلنامه دانشکده علوم سیاسی، پاییز ۸۹
- هال، استوارت (۱۳۹۱)، معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی، ترجمه: احمد گل محمدی، تهران: نشر نی
- های، کالین (۱۳۸۵)، درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه: احمد گل محمدی، تهران: نشر نی
- همویی، فاطمه (۱۳۹۰)، تحلیل گفتمان سیاست خارجی بریتانیا در قبال وحدت اروپا، پایان‌نامه ارشد، استاد راهنما: حمیرا مشیرزاده
- هورث، دیوید (۱۳۹۷)، گفتمان، ترجمه احمد صبوری، تهران: انتشارات آشیان

- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه‌های جلیلی، تهران: نشر نی
- Kampf, Zohar (2000) Political Discourse Analysis, The International Encyclopedia of Language and Social Interaction.
- Torfinn, Jacob (2005) "Discourse theory: achievements, arguments and challenges" in: howarth, david & Torfinn, Jacob (eds.): discourse theory in Europe politics, identity, policy and governance, p 1-31.
- Howarth, Jason and Glynos, David and Norval, Aletta and Speed Ewen (2009) Discourse Analysis: varieties and methods. Discussion Paper. NCRM.
- van Dijk, Teun (1998) what is political discourse analysis? Published online: 01 January 1998, <https://doi.org/10.1075/bjl.11.03dij>.
- Sinclair, John McHardy & Coulthard, Malcolm (1975) Towards an analysis of discourse, Oxford University Press.
- Sacks, H., Schegloff, E., & Jefferson, G. (1974) A Simplest Systematics for the Organization of Turn Taking in Conversation. Language.
- Potter, J., & Wetherell, M. (1987) Discourse and Social Psychology. Beyond Attitudes and Behaviour. London, England: Sage.
- Given, Lisa M (2008) The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods.
- Jessop, bob (1982) . the capitalist state: Marxist theories and method, oxford : blackwell
- Mouzelis ,Nicos (1988) . “ Marxism or post-marxism “ , new left review, vol, 167

